

دولت روحانی و جنبش دانشجویی کشور



ادامه در صفحه ۳

خبرهای مبنی بر حضور حسن روحانی در دانشگاه، در هفته گذشته، به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید، برخلاف تصور، بازتاب گسترده‌ای نیافت و در حد همان خبرهای معمولی انعکاس پیدا کرد. با اینکه مدت‌ها است که ارگان‌های سرکوبگر فضای آموزشی میهن را زیر فشار بی‌اندازه قرار داده‌اند و هرگونه فعالیت سیاسی و ترقی‌خواهانه‌ای را با شدت سرکوب می‌کنند، اما همین حضور بی‌رنگ حسن روحانی در فضایی کاملاً امنیتی، نشان می‌دهد که پتانسیل عظیم و نهفته در بین جوانان، آرامش لازم را از رژیم ولایت‌فقیه سلب کرده است.

حضور حسن روحانی در دانشگاه، با هر هدفی که صورت گرفته باشد، در نکته‌ی از آن نباید شک کرد و آن این مهم است که او در نهایت در چارچوب خطوطی مانور داد که "منویات رهبری" در آن مورد ملاحظه قرار گرفته بود، و به همین دلیل بود که، این حضور نمایشی در نهایت با حضور محدود کسانی که هویت دانشجویی داشتند برگزار شد و در جریان آن، حتی یک



شماره ۹۵۸، ۲۸ مهر ۱۳۹۳
دوره هشتم، سال بیست و هشتم

جشن‌های سالگرد تأسیس

حزب توده ایران در ص ۷
کنفرانس "مارکسیسم قرن بیست و یکم"
در ص ۹
انتخابات ریاست جمهوری در بولیوی:
پیروزی بزرگ گرایش سوسیالیستی
در ص ۱۲

جنبش کارگری، نقش و جایگاه آن در تحول‌های سیاسی

از زمان روی کار آمدن دولت حسن روحانی و اجرای برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی، جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان میهن ما - بر شالوده مجموعه‌ی از عامل‌ها و بر بسترهایی از وضعیت عینی معیشت و بی‌بهره‌گی از حق‌های مسلم‌شان، در حال گسترده‌تر شدن بوده است. صدها حرکت اعتراضی، که اعتصاب‌ها، تحصن‌ها، امضای تومارها، گردهم‌آیی‌ها، و نظیر آن‌ها، را دربر می‌گیرد، در سراسر کشور صورت پذیرفته است و همچنان صورت می‌پذیرد. به‌دیگر سخن، همراه با تحول‌های صحنه سیاسی و اجرای راهبرد رژیم ولایت‌فقیه یعنی: احیای مناسبات با امپریالیسم - که پیاده کردن سیاست‌های اقتصادی‌ای مانند خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی بخشی از این راهبرد است - نارضایتی بین زحمتکشان به‌سبب اثرهای مخرب این سیاست‌ها افزایش یافته است، و در نتیجه، زمینه‌های رشد و گسترش بیشتر جنبش اعتراضی زحمتکشان - در قیاس با گذشته - فراهم

ادامه در صفحه ۲

«وحدت» جناح‌های قدرت، و اصلاح ناپذیری رژیم ولایت‌فقیه

منشأ اصلی فعالیت‌های رانت‌خوارانه کلان و رشد سرطان‌وار آن در سطح جامعه، پیامد خصلت این اقتصاد سیاسی است که اُفت و عقیم شدن فعالیت‌های بخش‌های تولیدی ارزش‌افزا در اقتصاد ملی ایران را باعث می‌گردد. اقتصاد سیاسی کشور ما چارچوب لازم "ثروت‌آفرینی" ای سریع و در سطح بسیار کلان برای قشرهای فوقانی بورژوازی است، قشرهایی که نمایندگان سیاسی‌شان در قالب جناح‌های قدرت درون هرم رژیم ولایت‌فقیه ("نظام") برای حفاظت از منافع اقتصادی کلان در فعالیت‌اند. تداوم این اقتصاد سیاسی بسیار پرمفعت در کشور ما از یک سو در بردارنده ریشه اصلی نزاع‌ها و رقابت‌های سیاسی بین جناح‌های قدرت در رژیم ولایتی است، و از سوی دیگر بقا و تداوم آن مخرج مشترکی محوری بین جناح‌های کلان است که بازتاب سیاسی آن را می‌توان در "وحدت" بین این جناح‌ها برای "بقای نظام" دیکتاتوری ولایتی مشاهده کرد. مثال بسیار بارز در وجود وحدت بین جناح‌های رقیب (از جمله بخش‌های اصلی اصول‌گرایان)، مهندسی انتخابات ۱۳۹۲ برای به‌ظهور رساندن دولت یازدهم و حسن روحانی است. علی‌خامنه‌ای، در مقام ولی‌فقیه، محور همکاری جناح‌های قدرت است. همین‌طور از همگرایی و اتحاد عمل بین جناح‌های رقیب در اجرای دو دهه تعدیل‌های اقتصادی نولیبرالی

برخلاف ظاهر امر و آنچه که حسن روحانی در گفت‌وگوی تلویزیونی اش (۲۱ مهرماه) درباره دستاوردهای دولت یازدهم و بهبود وضع کشور بیان داشت، در ارزیابی‌ای واقع‌بینانه این واقعیت عینی که دولت او پس از گذشت بیش از یک سال در عملی کردن وعده‌های دوره تبلیغات انتخاباتی اش شکست خورده است را می‌توان به‌سهولت دید. مهم‌تر اینکه، تحول‌ها نشان می‌دهند که دولت یازدهم، و در رأس آن حسن روحانی، نخواهد توانست حرکتی عملی در راستای تغییرهای ضروری انجام دهد، زیرا این تغییرها با منافع سیاسی و اقتصادی جناح‌های قدرت در هرم رژیم ولایتی تضاد آشتی‌ناپذیر دارند. دولت یازدهم، و از جمله رئیس آن، خود ترکیبی از نمایندگان جناح‌های قدرت سیاسی و نمایندگان سرمایه‌های کلانی‌اند که نه تنها حاضر به انجام تغییرهای اساسی در اقتصاد سیاسی کشور ما نیستند، بلکه هر نوع دگرگونی به‌نفع مردم را به‌دلیل تضاد با منافع اقتصادی و سیاسی خودشان به‌شدت و به‌سرعت متوقف خواهند کرد. به‌عبارت‌دیگر، چاقو دسته خودش را نمی‌زرد! در اینجا صحبت از افشاگری و پی‌گیری اختلاف‌های دوره احمدی‌نژاد نیست، بلکه اشاره به ماهیت اقتصاد سیاسی‌ای است که به‌طور کامل در راستای منافع سرمایه‌داری تجاری‌مالی و سرمایه‌داری بوروکراتیک شکل گرفته است، و در عمل، تولید ارزش‌افزا ندارد.

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!



کنترل دایمی محیط‌های کارگری، در کیفیت و سطح جنبش کارگری اثر مستقیم داشته‌اند و به‌جرت می‌توان تأکید کرد که، آنچه در حکم نقطه‌ضعف‌های جنبش اعتراضی کنونی زحمتکشان مشاهده می‌شود، به‌طور عمده و جدی، از این مجموعه عامل‌ها ناشی می‌گردد.

برنامه‌های مبتنی بر

اصلاح ساختار اقتصادی با محوریت خصوصی‌سازی، در طول بیش از دو دهه اخیر، به انباشت سرمایه منجر گردیده‌اند که روی دیگر آن فقر و تیره‌روزی توده‌های مردم مخصوصاً طبقه کارگر بوده است. دولت روحانی اکنون با اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها- آزادسازی اقتصاد- برنامه اصلاح یا تعدیل ساختاری‌ای را به‌طور کامل به‌اجرا گذاشته است. سخن تنها بر سر حذف یارانه نیست. ما سیاست خصوصی‌سازی‌ای بر پایه فرمان‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را شاهدیم که در خلال آن اموال همگانی به بخش خصوصی واگذار می‌شوند. حذف نظارت‌های دولتی و سیل بنیان‌کن واردات، به‌همراه حذف تمامی قوانین به‌اصطلاح "دست‌وپاگیر" در عرصه بازار کار، ازجمله: تغییر قوانین کار و تأمین اجتماعی به‌سود کلان‌سرمایه‌داران، جنبه‌ها و بخش‌های به‌هم‌پیوسته این سیاست به‌معنای واقعی ضدمردمی‌اند. پرواضح است که پیامد این سیاست‌ها، به‌طورمستقیم مشخص در زندگی روزمره میلیون‌ها کارگر میهن ما بازتاب یافته‌اند، و فقر، استعمار، و بی‌عدالتی وصف‌ناپذیری را به آنان تحمیل کرده است و همچنان تحمیل می‌کند. اعتراض‌های پراکنده و تدافعی بر چنین بسترهای عینی‌ای صورت گرفته و می‌گیرند. در اینجا لازم است تأکید کنیم که، به‌طور دقیق در ارتباط با رشد اعتراض‌های کارگری، رژیم برای کنترل، مهار، و هدایت- در مسیر موردنظر خود- جنبش کارگری و سندیکایی برنامه‌ی چندوجهی طراحی کرده است، و متناسب با وضعیت، آن را اجرا می‌کند. جنبه‌هایی از این سیاست را هم‌اکنون در مقابله با مبارزات کارگری می‌توان دید و تشخیص داد.

جنبش کارگری ایران با سابقه و سنت‌های درخشان انقلابی- طبقاتی‌اش، و با وجود تمام کاستی‌ها و کمبودهایش در پیوند با تحول‌های صحنه سیاسی کشور، در طول سالیان اخیر کوشش ورزیده است تا به‌لحاظ صنفی- سندیکایی و نیز سیاسی خود را بازسازی کند. این روند، یعنی پویای بازسازی و تقویت جنبش کارگری و سندیکایی، گرچه به دلیل‌های معین عینی و ذهنی، به‌کندی و دشواری جریان دارد، اما مسیری اعتلایی را می‌پیماید. رشته اعتراض‌های اخیر با آنکه هنوز در خطوط کلی و عمده تدافعی‌اند و ضعف سازمان‌دهی- رهبری و همبستگی در آن‌ها مشهود است، در قیاس با سال‌های قبل، گامی به‌پیش و بالا رفتن آگاهی طبقاتی کارگران را نشان می‌دهند. با نگاه موشکافانه به شعارها، خواست‌ها، چگونگی شکل‌گیری، درجه همبستگی، و جز این‌ها، در اعتراض‌های پراکنده کنونی، می‌توان معیار مناسبی به‌منظور دآوری در خصوص رشد جنبش کارگری و بیداری زحمتکشان میهن‌مان در اوضاع حساس کنونی به‌دست داد. تحول‌های صحنه سیاسی کشور می‌تواند به‌گسترش جنبش اعتراضی کارگران منجر می‌شود، و زمینه‌های رشد و قوت بخشیدن به آن را در معادله‌های سیاسی، فراهم می‌کند. این نکته پراهمیتی است که نباید از آن غافل بود. می‌باید تمام امکان‌های موجود را با مهارت، دقت، و هوشیاری در خدمت رشد کیفی جنبش کارگری و سندیکایی قرار داد. در مرحله کنونی، و با توجه به ویژگی‌های جنبش اعتراضی زحمتکشان، نباید مبارزه اعتراضی کنونی را صرفاً در محدوده خواست‌های صنفی حبس کرد. تلفیق خواست‌های صنفی با خواست‌های سیاسی، پیوند زدن خواست‌های بی‌درنگ به مخالفت‌ورزی و مبارزه با برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی- به‌خصوص آزادسازی اقتصادی- و پیکار برای احیای حقوق سندیکایی، ضرورت انکارناپذیر و وظیفه واقع‌بینانه و بسیار مؤثر در اوضاع فعلی است. حفظ هویت و استقلال طبقاتی تشکلهای مستقل نیز آن‌چنان پراهمیت است که نباید لحظه‌ای از آن غفلت کرد.

با ژرفش تحول‌های سیاسی، این امکان و ضرورت که جنبش کارگری- بنا بر نیازهای عینی و ذهنی مبارزه طبقاتی کارگران- در معادله‌های سیاسی کشور حضور خود را اعلام کند، بیش از پیش فراهم می‌شود. آمادگی برای انجام وظیفه مهمی مانند بازسازی و تقویت صف‌ها در دستورکار جنبش کارگری قرار گرفته است. برای پاسخ به نیازهای تاریخ، باید از هر باره و با دقت در راه تقویت جنبش کارگری فعالیت‌ها را دوچندان کرد!

ادامه جنبش کارگری ...

آمده است. برنامه‌های اقتصادی‌ای که دولت روحانی، بر اساس سیاست‌های کلی نظام، آن‌ها را تدوین و اجرایی کرده است، به منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان لطمه بزرگی را وارد می‌کند. درحقیقت، با اجرای نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و ادامه آزادسازی اقتصادی، این کارگران و زحمتکشانشان که دستاوردهای تاریخی، حقوق، منافع و امنیت شغلی‌شان در معرض دستبرد راهزنانه ارتجاع قرار گرفته است. تلاش رژیم ولایت‌فقیه برای بازسازی مناسبات با امپریالیسم، که دولت روحانی در حکم وظیفه نخست و بی‌درنگ خود به آن مشغول است، تأثیرها و پیامدهایی معین در جامعه و همچنین بر زندگی و سرنوشت طبقه‌ها و لایه‌های اجتماعی گوناگون دارد. هماهنگی رژیم با سیاست‌های امپریالیسم در منطقه و در چارچوب طرح خاورمیانه جدید، تنها به عرصه سیاست خارجی با دیپلماسی محدود نمی‌شود و نمی‌تواند محدود شود. حزب ما بارها با تأکید یادآوری کرده است که، سیاست‌های اقتصادی- و به‌طورکلی سمت‌گیری اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت‌فقیه و به‌ویژه اصرار بر اجرای آزادسازی اقتصادی زیر نام "قانون هدفمندی یارانه‌ها"- بخش جدایی‌ناپذیر و بسیار مهم راهبرد احیای مناسبات با غرب و به‌ویژه با آمریکا است. محتوای "راهبرد" استراتژی رژیم، بازسازی روابط با امپریالیسم در تمامی زمینه‌ها به‌خصوص زمینه‌های سیاسی و اقتصادی است، که در تحلیل نهایی، امکان و فرصت وصل شدن لایه‌های انگلی حاکم سرمایه‌داری یعنی: پشتیبانان و تکیه‌گاه‌های استبداد ولایتی، به سرمایه جهانی را فراهم می‌کند، و در عین حال، در قالب موردنظر سران رژیم یعنی: سیاست حفظ نظام، جای می‌گیرد و عمل می‌کند. موفقیت برنامه‌های اقتصادی، در واقع تضمین‌کننده مسیر احیای مناسبات با امپریالیسم است. فراموش نکنیم که، میان سیاست همکاری با آمریکا و پایان دادن به ماجرای پرونده هسته‌ای با چگونگی، سطح، میزان و سرعت اجرای برنامه‌های اقتصادی در داخل کشور، رابطه‌ی متقابل وجود دارد که به‌دقت باید آن را رصد کرد. بنابراین، در "راهبرد" رژیم در جهت احیای مناسبات با غرب، سیاست‌های اقتصادی اجتماعی نقش بسیار پررنگ و بنیادینی دارد. این مسئله، بازتابی گسترده در جامعه داشته است و بر منافع لایه‌ها و طبقه‌های اجتماعی گوناگون اثر می‌گذارد. چنان‌که اشاره شد، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان از نخستین قربانیان برنامه‌های اقتصادی رژیمند. در طول یک‌سال اخیر، همه دستورات عمل‌ها و برنامه‌های دولت یازدهم و رژیم در عرصه اقتصادی، به‌زبان طیفی گسترده از لایه‌های اجتماعی‌ای مانند قشرهای میانه‌حال، تولیدکنندگان خرد و متوسط، و طبقه کارگر ایران بوده است. فقط کافی است به دو سیاست: "خصوصی‌سازی" و "مقررات‌زدایی"، اشاره کرد تا ژرفای فاجعه‌ی که زندگی و امنیت شغلی زحمتکشان با آن روبه‌روست، آشکار گردد. مطابق برنامه خصوصی‌سازی- که در بطن آن هدفمندی یارانه‌ها باشتاب درحال اجراست- حقوق و منافع زحمتکشان مانند: سطح دستمزدها، ساعت و زمان کار، قراردادهای و حق تشکیل‌یابی (حقوق سندیکایی)، نابود و پامال می‌شوند. کوشش پرتبوتاب وزارت کار برای تحمیل نوع جدیدی از محاسبه دستمزدها، اصلاح قانون کار و قوانین تأمین اجتماعی، همگی، در راستای سیاستی است که برای کارگران و سرنوشت آنان هیچ ارزش و اهمیتی قابل نبوده است و نیست. در اینجا ما با برنامه‌ی هدفمند روبه‌رویم که عبارتست از: مهیا کردن نیروی کار ارزان و مطیع در خدمت انحصارهای فراملی زیر نام جلب و جذب سرمایه خارجی! در بررسی تأثیر سیاست‌های اقتصادی رژیم ولایت‌فقیه بر زندگی و امنیت شغلی زحمتکشان تذکر نکته‌ی پراهمیت ضروری است: با گسترش اقتصاد غیرمولد و انگلی و سرازیر کردن واردات به بازار کشور، کارگران صنعتی میهن ما، آسیب جدی دیده‌اند و به‌لحاظ کمی و کیفی سقوط کرده‌اند. فروپاشی بنیه تولیدی صنعتی بر اثر اجرای برنامه‌هایی چون تعدیل اقتصادی، اصلاح ساختار اقتصادی، آزادسازی و حذف یارانه‌ها- هدفمندی یارانه‌ها- در طول سالیان اخیر، تأثیر مستقیم و بسیار منفی‌ای بر کمیت و کیفیت طبقه کارگر داشته‌اند. به‌خصوص در رشته‌های صنایع: نفت، گاز، پتروشیمی، پولاد، و نساجی، که به‌طور عمده کارگران صنعتی کشورمان را در خود جای داده بودند. تضعیف بنیه تولیدی، کاهش شمار کارگران صنعتی، و سرکوب خشن و

ادامه دولت روحانی و جنبش دانشجویی...

نفر که در مقام نماینده دانشجویان بتوان از او نام برد، در آنجا وجود نداشت. روزنامه خراسان، ۱۶ مهرماه، در پایان گزارشی از این مراسم، آورد: "برخلاف سال گذشته، از ازدحام دانشجویان پشت در سالن برگزاری مراسم و محوطه دانشگاه در طول مراسم و حتی پایان آن خبری نبود. و این مراسم بدون شور و هیجان‌های دانشجویی برگزار شد."

روزنامه شرق، ۱۶ مهرماه، به حاشیه‌های این مراسم پرداخت و نوشت: "سالن علامه امینی در کتابخانه دانشگاه تهران میزبان میهمانانی بود که آمده بودند تا در مراسم نمادین آغاز سال تحصیلی جدید دانشگاه‌ها شرکت کنند. میهمانانی که برخلاف انتظار اکثریت قریب به اتفاقشان دانشجوی نبودند. شاید با احتیاط بتوان گفت میانگین سنی افراد حاضر در سالن نزدیک به ۴۰ سال بود."

روزنامه اعتماد، ۱۶ مهرماه، نوشت: "دومین حضور روحانی در دانشگاه تهران خیلی هیجان برانگیز نبود. جاهای خالی بیش از حد توی چشم بودند؛ چیزهایی مثل جای خالی تشکل‌های دانشجویی یا جای خالی وزیر در وزارت علوم. جاهای خالی که حتی خود دولتی‌ها از آن رنج می‌بردند. رئیس‌جمهور هم این را می‌دانست و در سخنانش اشاره‌هایی به آن کرد. دیروز دانشگاه تهران را برای حضور رئیس‌جمهور آب و چارو کرده بودند. حسن روحانی در نخستین ساعات روز برای شرکت در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها عازم آنجا بود، اما همه چیز حکایت از آن داشت که چندان هم حال دانشگاه خوب نیست. بیرون سالن محل برگزاری مراسم دانشجویانی بودند که می‌دانستند راهی به داخل سالن نخواهند داشت، فقط آمده بودند تا حرف‌های خود را با بالا بردن یک نوشته یا پلاکارد به رئیس‌جمهوری بگویند؛ نگاه امنیتی را از دانشگاه بردارید، "آقای رئیس‌جمهور دانشگاه را از دست ندهید"، "خواست است ما اجرای بدون تنازل قانون اساسی است"، و مطالبات دیگری از این دست. امید داشتند تا رئیس‌جمهوری وقتی می‌خواهد وارد محل برگزاری مراسم شود، گوشه چشمش هم به این نوشته‌ها بیفتد. امسال تشکل‌های دانشجویی جایی در برنامه آغاز سال تحصیلی جدید نداشتند. همه هم به این موضوع معترض بودند؛ هم دانشگاهیان و هم دولتی‌ها. سرپرست دانشگاه تهران به عنوان نخستین سخنران، از این جای خالی گله کرد و حاضرین در سالن با کف و صوت او را تشویق کردند."

سایت عصر ما، ۱۶ آذرماه سال گذشته (۹۲)، گزارشی از حضور روحانی در دانشگاه را انتشار داد که بازخوانی دوباره آن پس از نزدیک به یک سال نکته‌های تأمل برانگیزی را به ما یادآوری می‌کند. در گزارش یادشده آمده بود: "مراسم گرامیداشت ۱۶ آذر - روز دانشجو- با شعارهای دانشجویان در حمایت از رئیس‌جمهوری و سیاست‌های دولت تدبیر و امید همراه بود. ... به گزارش ایرنا، تالار ابوریحان دانشگاه شهید بهشتی از همان ساعات نخست مملو از دانشجویان شد. برخی از دانشجویان پلاکاردهایی در دست داشتند که خواست‌هایشان را روی آن نوشته بودند. ... در بخشی از مراسم دانشجویان شعار دادند "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و در پاسخ به آن‌ها گروهی اندک شعار دادند "فتنه گر منافق اعدام باید گردد" ... با پایان یافتن سخنرانی دکتر روحانی، دانشجویان با تشکیل زنجیره‌های انسانی دست در دست هم شعار یار دبستانی من را زمزمه کردند و پارچه‌های سبز و بنفش رنگ را بالای سر خود قرار دادند."

سؤال اساسی برای مقایسه این دو مراسم تقریباً مشابه این است که در طول یک سال گذشته چه اتفاق مهمی افتاده است که ما شاهد دو نوع برخورد در محیط دانشگاهی هستیم؟ در اینجا ممکن است عده‌ای بر مبنای سیاست‌های نخ نما شده و برای میرا کردن جناح روحانی، محدودیت‌های ایجاد شده برای حضور همه دانشجویان را به گردن ارگان‌های امنیتی رژیم بیندازند و یا عده‌ای هم بر این نکته پافشاری کنند که چنین وضعی با توافق طرفین پیاده شده است. در اینجا هم اتفاقاً بحث ما راز کشایی از چند و چون ماجرا نیست. موضوع اصلی این است که در روندهای هدایت شده، کلیت رژیم به این نتیجه رسیده است که حضور واقعی جنبش‌های اجتماعی حتی در مراسمی که با سازمان‌دهی و هدایت کارگزاران رژیم بر پا می‌شوند، چالش برانگیز است و به همین دلیل است که مراسم نمادین، زیر شدیدترین اقدام‌های امنیتی اجرا می‌گردند. رژیم ولایت فقیه به دنبال سیاست‌های خانمان براندازش، به‌خصوص در عرصه خارجی، با سازمان‌دهی و مهندسی انتخابات ریاست‌جمهوری توانست در مقطعی به تهییج افکار عمومی دامن

بزند، اما عملکرد مخرب سیاسی دولت روحانی، ماهیت واقعی این جریان و ترفندهای مزورانه رژیم را خیلی زودتر از آنچه مورد انتظار سرکوب‌گران حاکم بود نزد افکار عمومی افشا کرد. امنیتی کردن فضاهای آموزشی و بی‌اعتمادی بدنه اجتماعی این حوزه به‌خصوص نسبت به دولت روحانی و قول و قرارهای توخالی‌ای که داده است و می‌دهد، به‌هیچ‌عنوان تعجب‌برانگیز و غیرقابل انتظار نبود. آغاز تفوق چنین دیدگاهی هم مربوط به هفته گذشته نبود. ختام این مراسم در این بود که وجود چنین دیدگاهی را در جامعه بیشتر آشکار کرد.

صرف‌نظر از فضای امنیتی موجود، خود سخنرانی روحانی هم دربردارنده همان حرف‌های کلیشه‌ای و تکراری در چارچوب برنامه گفتاردرمانی بود که فاقد پشتوانه عملی است. روحانی در سخنانش از جمله گفت: "خواهش می‌کنم سخت‌گیری نکنید" و "نگذارید فضای تملق در دانشگاه باز بشود." روحانی در روشن کردن این مسئله که چه کسانی در دانشگاه‌ها سخت‌گیری می‌کنند سخنی نگفت، اما ایراد همین سخنان به‌روشنی نشان می‌دهد که نقشی برای دولتی که ریاست آن را بر عهده دارد قائل نیست و منتظر تغییر روش جریان‌هایی است که او گزینه تبعیت از آن‌ها را برگزیده است. روحانی در جایی دیگر گفت: "در طول یک سال گذشته تلاش ما بر این بود که فضای دانشگاه از فضای امنیتی فاصله و فاصله بگیرد. تلاش ما بر این بود که اگر فردی با دلایل ضعیف، کنار گذاشته شده بر سر کار یا کلاس خود بازگردد. تلاش ما بر این بوده که در دانشگاه‌های ما فضای آرامش باشد ضمن اینکه همه گروه‌ها نظر و نقد خود را داشته باشند و در عین حال همه بدانند این جا دانشگاه است، باشگاه سیاسی یا مرکز فعالیت احزاب نیست. ضمن این که همه می‌توانند در مسائل سیاسی و اجتماعی حضور یابند." اینکه در طول یک سال گذشته فضای دانشگاهی تا چه حد از فضای امنیتی فاصله گرفته است نیازمند توضیح بیشتری نیست. ما در بالا گزارش منتشر شده از سوی رسانه‌های مجازی را آوردیم که اتفاقاً بیشترین قرابت را با دولت روحانی دارند اما تأکید سه‌باره روحانی بر فاصله‌گیری از فضای امنیتی در نهایت به جایی رسیده است که حضور واقعی دانشجویان در چنین مراسم نمادین هم تحمل نمی‌شود. کسانی که جریان‌های سیاسی میهن را به‌نحوی دنبال می‌کنند واقف‌اند که نیروهای نزدیک به حاکمیت برای بیان نظرها و موضع‌گیری‌های سیاسی جریان وابسته به خودشان، سخنرانی‌هایشان را به‌طور عمده در محل دانشگاه‌ها و یا دیگر مرکزهای آموزشی برگزار می‌کنند. این شامل تمامی طیف‌های حکومتی می‌شود. در تمامی این سخنرانی‌ها هم مسائل سیاسی مطرح می‌شوند و در بسیاری موارد هم پیش آمده است که جریان‌های گوناگون به مناظره سیاسی می‌پردازند و با شدت از یک جریان خاص سیاسی حمایت می‌کنند. این بدان معنا است که این وابستگان به حکومت، دانشگاه را عملاً مرکز فعالیت سیاسی خود کرده‌اند. این سخن روحانی که دانشگاه "باشگاه سیاسی یا مرکز فعالیت احزاب نیست" را با بارها و بارها از زبان دیگر مسئولان حکومتی شنیده‌ایم. سید علی خامنه‌ای، ولی فقیه رژیم، در دیداری که با استادان دانشگاه‌ها داشت، با تأکید بر همین موضوع، گفت: "مسئولان ذی‌ربط و مدیران دانشگاه‌ها باید با جدیت از تبدیل مراکز علمی به محل جولان و فعالیت‌های جریان‌های سیاسی جلوگیری کنند" (خبرگزاری مهر، ۱۱ تیرماه ۹۳). علی خامنه‌ای تبدیل دانشگاه‌ها به باشگاه‌های سیاسی را سم مهلك حرکت علمی کشور خواند و خاطر نشان کرد: "متأسفانه در دوره ای شاهد این پدیده زبان بار بودیم." هم حسن روحانی و هم دیگر نیروهای سیاسی وابسته به حاکمیت، در مقطع‌های مختلف و به‌خصوص در جریان انتخابات، از محیط‌های دانشگاهی برای پیش‌برد برنامه‌هایشان استفاده کرده‌اند و می‌کنند. هم حسن روحانی و هم دیگر جریان‌های سیاسی، با حضور در دانشگاه‌ها و مرکزهای آموزشی، نه‌تنها از مطرح کردن مسائل سیاسی امتناع نمی‌کنند، بلکه به‌طور آشکار و نهان این نهادهای آموزشی را مرکز فعالیت باشگاه‌ها و جریانات سیاسی وابسته به خودشان کرده‌اند. بدون شک و تردید پافشاری حسن روحانی و علی خامنه‌ای و دیگر ذوب شدگان در ولایت در این مقوله، هشدار به نیروها و جریان‌هایی است که مستقل از ارگان‌های حکومتی خواستار فعالیت سیاسی‌اند. وقتی حسن روحانی در سخنرانی‌اش می‌گوید: "تلاش ما بر این بوده که در دانشگاه‌های ما فضای آرامش باشد، بدان معنا نیست که فعالیت سیاسی بدون محدودیت، دانشجویان زندانی آزاد، محرومان از تحصیل عفو، و تشکل‌های مستقل دانشجویی اجازه فعالیت یافته‌اند. منظور از "آرامش"، به‌وجود آوردن چنان فضایی است که حق هر گونه اعتراض از دانشجویان



بالا رفتن قیمت تمام‌شده کالا، به‌غیر از "عدم تخصیص سهم اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به صنعت" - پرننگ بودن نقش واسطه‌گری در زنجیره تأمین... و فساد گسترده رژیم ولایت فقیه، هیچ موردی در ارتباط با اثر مزد کارگران در قیمت تمام‌شده کالا در گزارش اول نمی‌توان یافت. با تمام این اوصاف، واپس‌گرایان نقش واسطه‌گری، فساد... را رها کرده‌اند، و یورش به مزد کارگران و ماده ۴۱ قانون کار را صرفاً هدف خود قرار داده‌اند. مطابق گزارش خبرگزاری مهر، ۱۵ مهرماه، در سومین گزارش رسمی این کارگروه، وضعیت دستمزد نیروی کار در صنایع غذایی پس از بررسی و آنالیزهای صورت گرفته به وزیر کار ارائه شد. بررسی‌های "کارگروه" نشان می‌دهد که واسطه‌ها نقش پرنرنگی در صنایع غذایی دارند... نوعی عدم شفافیت عملکردها در این بخش مشهود است. ... استفاده از روغن پالم [نخل] در مواد غذایی در حد استانداردها نیست و همه این مسائل به میزان کارکرد و بهره‌وری نیروی کار کشور لطمه خواهد زد. فرامرز توفیقی، رئیس "کارگروه" تبه‌کاران، دوباره، و بدون اشاره‌ای به تاثیر مزد کارگران در قیمت تمام‌شده کالا، به خبرگزاری مهر گفت: "وزارت کار خواسته تا کارگروه تخصصی مزد و بهره‌وری به روش‌های چانه‌زنی و گفتگوهای فراوان بین کارگران و کارفرمایان در این باره پایان دهد و مزد سالیانه کارگران در قالب یک مدل مشخصی تعیین و تصویب شود. تعیین دستمزد با مدل "بهره‌وری"، یکی دیگر از ترفندهای تبه‌کاران برای آزاد سازی دستمزد کارگران است. به موازات یورش به ماده ۴۱ قانون کار، یکی دیگر از دسیسه‌های وزارت کار ربیعی در رویارویی با جنبش رشدیابنده کارگری، تبعیض ظالمانه در پرداخت دستمزدها برای ایجاد شکاف بین کارگران بوده است. به‌طور نمونه، کارگران پیمانی "پتروشیمی رازی"، "پتروشیمی بوعلی سینا"، "ایران ایر" ("هما") و جز اینان، با وجود داشتن تحصیلات و تخصص‌های تقریباً یکسان، در مواردی حتی چند برابر کمتر از کارگران رسمی (قرارداد مستقیم) حقوق دریافت می‌کنند. علاوه بر تمام این دسیسه‌ها، شواهد نشان می‌دهند که رژیم در صدد بازنشسته کردن ۷ درصد نیروی کار رسمی باقی‌مانده است تا بتواند آزاد سازی دستمزد کارگران را با موفقیت به سرانجام مورد نظرش برساند. با سازمان‌دهی کارگران در صفی منسجم و ادامه مبارزه‌ی پیگیر، باید امید واپس‌گرایان به آزاد سازی دستمزد کارگران را به نومیذی تبدیل کرد.

ناتوانی سازمان محیط زیست، و تخریب زیست محیطی منحصر به فرد ایران

خشکیدن رودها و دریاچه‌ها و نابودی جنگل‌های کشور در منطقه‌های مختلف کشور از جمله جنگل‌های استان گلستان و زاگرس، در صدر خبرهای رسانه‌های همگانی قرار دارد. در حالی که وضعیت محیط زیست هر دم رو به وخامت می‌گذارد، رییس سازمان محیط زیست جمهوری اسلامی، در اقدامی تبلیغی، از "خبرهای خوش" اطلاع داد. خبرگزاری مهر، ۱۵ شهریورماه، نوشت: "خبرهای خوشی برای حافظان عرصه‌های طبیعی داریم... مجوز اعتباری ۵ میلیارد تومانی... این اعتبار برای پرداخت معوقه حق محیط‌بانان [که] از سال ۱۳۹۰ به بعد پرداخت نشده بود و همچنین پرداخت دیه برای محیط‌بانانی که حین درگیری‌ها محکوم به پرداخت دیه شده‌بودند، تخصیص داده شد. با توجه به این گزارش و اطلاعات انتشار یافته از سوی سازمان محیط زیست، اقدام و یا گامی عملی به‌سود محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن انجام نگرفته است، و اعتبارهای مصوب صرفاً برای دلگرمی محیط‌بانان زحمتکش محیط زیست است که از هرگونه حمایت قانونی محرومند! در همین حال، وزیر نیرو و معاون رئیس‌جمهور در امور محیط زیست اعلام کرده‌اند که، تدابیر جدیدی برای نجات زاینده‌رود و دریاچه ارومیه اتخاذ گردیده‌اند، اما برای عملی شدن تدابیر مذکور منابع مالی کافی در دسترس ندارند. خبرگزاری مهر، میانه‌های شهریورماه، از قول وزیر نیرو، نوشت که، آب زاینده‌رود فقط طی ماه‌های بهمن تا اردیبهشت جاری خواهد بود و در بقیه سال این رود مهم بی‌آب باقی خواهد ماند. از دیگر سو، قائم مقام وزیر [نیرو]، در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، ۹ شهریورماه، اعلام کرد: "برای دریاچه ارومیه مجموعه‌ای از برنامه‌ریزی‌ها صورت گرفته... ممکن است دریاچه به شرایط اول خود برنگردد... با این حال برای نجات [دریاچه] ارومیه قرار است نسخه‌هایی تهیه شود." علاوه بر وضعیت ناگوار زاینده‌رود و دریاچه ارومیه، رسانه‌های همگانی خبر دادند که، ساخت و سازهای گسترده و غیراستاندارد، دشت‌های سرسبز و حاصلخیز مازندران را یکی پس از دیگری می‌بلعد. خبرگزاری مهر، ۱۲ شهریورماه، در گزارشی نوشت: "وضعیت ساخت و ساز و تغییر کاربری غیرمجاز اراضی در استان‌های شمالی از جمله مازندران همانند کالاف سردرگمی است که... همچنان مزارع (طبیعت بکر) مازندران را می‌بلعد." در گزارش دیگری از تخریب محیط زیست کشور، ایسنا گزارش داد: "پروژ بحران زیست محیطی در اردبیل، از جمله مهمترین این مشکلات وضعیت آبی سه دشت اردبیل، فغان و مشکین شهر است. ... طبق مطالعات صورت گرفته دشت اردبیل ۱/۵ متر فرو نشست داشته است." خبرگزاری مهر نیز در خبر دیگری، ۱۸ شهریورماه، گزارش داد: "الودگی ۱ میلیون هکتار از جنگل‌های زاگرس، وقوع ریزگردها و خشکسالی... سبب شده فشار به اکوسیستم جنگل آمده و شرایط برای الودگی جنگل فراهم شده است." هم‌زمان با مخابره این خبرها، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست اعتراف کرد که، شاخص‌های زیست محیطی در کشور طی سال‌های اخیر نامطلوب بوده و در حال سقوط است. او یادآوری کرد که، جنگل‌ها، مراتع، دشت‌ها، رودها و گونه‌های کمیاب



یورش تازه رژیم ولایت فقیه به دستمزد زحمتکشان ایران

حسن روحانی و وزیر کار امنیتی او، علی ربیعی، از هنگام آغاز به‌کارشان در مرداد ماه ۹۲، نه‌فقط به تمام وعده‌های انتخاباتی‌شان در ارتباط با دستمزد کارگران پشت کرده‌اند، بلکه به دستمزد و امنیت شغلی کارگران نیز مدام به حمله‌هایی دست زده‌اند. روحانی، بنا بر گزارش خبرگزاری ایلنا، ۲۲ مردادماه ۹۲ [اندکی پس از برگزاری انتخابات]، در سالن پور شریفی تبریز، گفت: "ماده ۴۱ قانون کار صراحتاً دارد حداقل مزد کارگران بایستی بر اساس نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی تعیین شود و به گونه‌ای باشد که معاش یک خانوار ۴ نفره کارگری را تأمین کند." ربیعی نیز به خبرگزاری مهر، ۲۶ مردادماه ۹۲، گفت: "مزد سال ۹۲ با توجه به عدم رعایت دقیق قانون یعنی عدم اعمال تورم اعلامی مرکز آمار ایران... باید... اصلاح شود." خبرگزاری ایسنا، ۱۵ مهرماه سال جاری، گزارش داد: "رقم سید هزینه یک خانوار کارگری در سه ماهه نخست امسال [۱۳۹۳] دو میلیون و دویست هزار تومان اعلام شد." واپس‌گرایان نه‌فقط مزد ۹۲ را اصلاح نکردند، بلکه بنا بر گزارش خبرگزاری ایلنا، ۲۳ اسفندماه ۹۲، ربیعی - باوجود تورم ۳۶/۵٪ [۳۶٪ نیم] درصدی اعلام‌شده از سوی مرکز آمار ایران- گفت: شورای عالی کار "با اجماع تمام و رای مطلق اعضا و ناظران تشکل‌های کارگری [بخوان: تشکل‌های دولت‌ساخته] و کارفرمایی" دستمزد پایه کارگران برای سال ۹۳ را با ۲۵ درصد افزایش، ۶۰۸ هزار و ۹۰۰ تومان [مبلغی کمتر از یک سوم خط فقر] تصویب کرد.

یورش جدید وزیر کار واپس‌گرا به دستمزد کارگران و ترفندی او، بلافاصله بعد از تعیین مزد ۹۳ آغاز گردید، و با بهانه بالا بردن "بهره‌وری"، به‌پیش برده می‌شود. این طرح بغایت ضد کارگری، در یکی از اتاق‌فکرهای ربیعی - "کارگروه تخصصی مزد" - تهیه می‌شود. خبرگزاری مهر، ۴ شهریورماه، به‌نقل از فرامرز توفیقی، رئیس واپس‌گرای "کارگروه تخصصی مزد"، از ارائه اولین گزارش رسمی این "کارگروه" یا "اتاق فکر"، به "منظور طراحی مدل جدید مزدی"، گزارش داد. فرامرز توفیقی، این نماینده به اصطلاح کارگری، گفت: "با توجه به ناکارآمدی ماده ۴۱ قانون کار در شرایط رکود تورمی... یک نیاز مبرمی برای تعریف رویه و روشی نوین برای تعیین دستمزد در راستای بالا بردن بهره‌وری، رفاه و رضایت عمومی به چشم می‌خورد." مطابق معمول، این نیز صرفاً ترفندی در جهت یورش به دستمزد کارگران است. خبرگزاری ایلنا، ۱۱ اسفندماه ۹۲، به‌نقل از حسن هفده‌تن، معاون وزیر کار، نوشت: "در (فاصله) سال‌های ۲۶ تا ۹۰ سهم مزد در هزینه تمام‌شده تولید از حدود ۱۳ درصد به حدود ۵ درصد کاهش یافته است اما این کاهش باعث ارتقاء بهره‌وری و خلایق در محیط کار نشده است." مطالعه دقیق ۱۳ مورد ذکر شده در "آنالیز کارگروه تخصصی مزد" - در حکم عامل‌های "دخیل در

ادامه رویدادهای ایران ...

گیاهی و جانوری منحصر به فرد ایران به شدت آسیب دیده‌اند و ما با فاجعه‌ی تمام عیار روبه‌روئیم. این مقام مسئول به‌طور مثال به وضعیت دریاچه‌های ارومیه، هامون، بختگان، زاینده‌رود، کارون و نیز شکار سیستماتیک گوزن زرد لرستان، خرس قهوه‌ای در استان اصفهان و فارس و مرگ و میر هزاران ماهی در کناره‌های خلیج فارس اشاره کرد.

آمارهای منتشر شده تنها بخشی از فاجعه تخریب محیط زیست کشور است. فعالان محیط زیست کشور، ضمن اعتراض به تخریب گسترده زیست محیط ایران، به‌درستی دولت روحانی و سازمان حفاظت از محیط زیست آن را - برخلاف تبلیغات فریبکارانه یک سال گذشته - فاقد برنامه‌ی مدون و عملی برای نجات محیط زیست معرفی می‌کنند. تجربه‌های گذشته و دقت به ماهیت رژیم ولایت‌فقیه اثبات می‌کند که، بدون فعالیت گسترده، سازمان‌یافته و مرتبط با جنبش مردمی، دفاع از محیط زیست امکان‌پذیر نخواهد بود!

تراز منفی بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی

یکی از ویژگی‌های مهم تحول‌های اقتصادی رژیم در شش ماهه نخست سال جاری، افزایش شکفت‌آور و بسیار نگران‌کننده واردات به کشور، و در نتیجه، ضعیف شدن بیش‌ازپیش بخش‌های تولیدی، به‌خصوص صنعت و کشاورزی، است! خبرگزاری مهر، ۶ مردادماه، با انتشار گزارش گمرک کشور، اعلام داشت: "در پنج ماهه اول امسال [۱۳۹۳] میزان واردات ۳۳/۵۸ درصد افزایش یافت... در این مدت ۲۱ میلیارد و ۹۸۱ میلیون دلار واردات کشور بوده است." در ادامه گزارش آمده است: "واردات ۳۳/۵۸ درصد و صادرات ۲۰/۸ درصد افزایش یافت. عمده واردات، خودرو [خودروهای لوکس آمریکایی، اروپایی، و ژاپنی] گندم، برنج، موز، و پس از آن‌ها، وسایل آرایشی و دیگر اشیاء لوکس از اروپا بوده است. بنا بر گزارش گمرک جمهوری اسلامی کشورهای: امارات متحده عربی [در مقام سرپل واردات کالاها، آمریکا و اروپا به ایران] کره جنوبی، چین، و هند، بزرگ‌ترین صادرکنندگان به ایران بوده‌اند.

در همین گزارش تأکید شده است که، واردات خودرو به کشور ۴ برابر و واردات برنج ۲ برابر در مقایسه با مدت مشابه قبل، افزایش پیدا کرده‌اند. آمارها نشان می‌دهند که در پنج ماه اول سال گذشته خورشیدی تعداد خودروهای وارد شده به ایران، ۱۷ هزار و ۱۱۱ دستگاه بوده است، اما در سال جاری (پنج ماهه نخست ۹۳) به ۲۶ هزار و ۸۷۶ دستگاه افزایش یافته است. ارزش این تعداد خودرو در ۸۶۵ میلیون دلار برآورد گردیده است. این در حالی است که تولید خودرو در کارخانه‌های کشور به نصف کاهش پیدا کرده است و در نتیجه این کاهش، هزاران کارگر و کارمند این کارخانه‌ها شغل‌شان را از دست داده‌اند. علاوه بر خودرو، آمارها افزایش واردات چادر مشکی را نیز نشان می‌دهند. چندان که سودهای کلانی به جیب بنیادهای واردکننده این کالا و تجار بزرگ بازار سرازیر کرده است. خبرگزاری ایسنا، ۹ شهریورماه، گزارش داد: "در حال حاضر سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون دلار پارچه چادر مشکی به صورت رسمی وارد کشور می‌شود. این پارچه‌های مشکی و چادر به‌طور عمده محصول کارخانه‌های نساجی اروپا (فرانسه و ایتالیا) هستند و از مبدأ امارات متحده عربی به کشور وارد می‌شوند. به‌علاوه سالانه بالغ بر ۱۵۰ میلیون دلار چادر و پارچه مشکی به‌طور عمده از ترکیه به داخل کشور قاچاق می‌شود." در این زمینه مدیرکل دفتر صنایع نساجی و پوشاک وزارت صنعت، معدن و تجارت به خبرنگار ایسنا، ۹ شهریورماه، گفت: "در حال حاضر صنعت نساجی کشور با مشکلات زیادی مواجه بوده و به‌نظر می‌رسد حمایت‌ها از این صنعت اشتغال‌زای کشور چندان کافی نبوده است... تعداد شاغلان صنعت نساجی از ۴۰۰ هزار نفر به ۳۰۰ هزار نفر کاهش یافته و اگر به مشکلات صنعت نساجی پرداخته نشود امکان کاهش تعداد فعالان این صنعت به ۲۰۰ هزار نفر نیز وجود دارد... هم‌اکنون عمده بازار پارچه چادر مشکی ایران از طریق واردات... تأمین می‌شود." چنان‌که پیداست، واردات گسترده، چرخ تولید ملی را در تمامی عرصه‌ها از حرکت بازایستاده و به بی‌کاری دامن زده است. از جمله دیگر نکته‌های گزارش گمرک جمهوری اسلامی، افزایش واردات موز، برنج، گندم، و نیز اشیاء لوکس و لوازم آرایشی است. به این ترتیب می‌توان تأکید کرد که، دولت و مجموعه حاکمیت، به‌طور کامل و تمام‌قد، از واردات حمایت می‌کنند. خبرگزاری مهر، ۱۹ شهریورماه، نوشت که، برای تصریح در امر واردات و تشویق تجار [!،] معافیت ۵ روزه کالاها، گمرکی از هزینه انبارداری در نظر گرفته شده است. به این معنا تمامی تاجران بزرگ و شرکت‌های وابسته به سپاه و بنیادهای انگلی علاوه بر کاهش تعرفه‌های گمرکی و دریافت وام‌های طولانی‌مدت و کم‌بهره برای واردکردن کالا، مشمول معافیت هزینه انبارداری نیز می‌شوند.

تراز بازرگانی جمهوری اسلامی منفی است، و این مسئله ژرفای فاجعه‌ی که

سرمایه بزرگ تجاری بر سر اقتصاد ملی و تولید کشور وارد آورده است را نشان می‌دهد! برنامه دولت برای تشویق واردات از خارج و حمایت از تاجران بزرگ، در تضاد با تولید ملی و منافع تولیدکنندگان و صنعتگران ایرانی قرار دارد!

تقویت نهادها و بنیادهای انگلی:

طرح الحاق "کمیته امداد" به "شورای عالی اشتغال"

بر اساس طرح برخی نمایندگان مجلس و توافق دولت حسن روحانی، برخی نهادها و بنیادهای انگلی، و در رأس آن‌ها "کمیته امداد خمینی" و "بنیاد شهید"، به ترکیب "شورای عالی اشتغال" جاری خواهند آمد.

این طرح که در اوایل تابستان سال جاری خورشیدی و پس از موافقت دولت، از سوی نمایندگان مجلس مطرح شده بود، پس از طی کردن روند معمولی و در سکوت خبری در مجلس با اکثریت آرا، به تصویب رسید. خبرگزاری ایلنا در اوایل مردادماه در این خصوص نوشته بود: "نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی طرح الحاق یک بند به ماده ۲ قانون تشکیل شورای عالی اشتغال با اصل ماده واحد این طرح با ۱۸۴ رأی موافق، یک رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۳ نماینده حاضر در صحن موافقت کردند که بر اساس آن کمیته امداد امام خمینی... به ترکیب شورای عالی اشتغال اضافه شد. نمایندگان در ادامه پیشنهاد الحاق یک بند دیگر به ماده ۲ قانون تشکیل شورای عالی اشتغال مبنی بر الحاق بنیاد شهید و امور ایثارگران به این شورا را به‌عنوان پیشنهادی که نمایندگان با ۱۲۷ رأی موافق، ۳۶ رأی مخالف و ۲۰ رأی ممتنع از ۲۲۳ نماینده حاضر در صحن با آن موافقت کردند." به‌علاوه، پس از ارسال این مصوبه از سوی مجلس به شورای نگهبان، این شورای ارتجاعی نیز در حمایت از حضور نهادها و بنیادهای انگلی در شورای عالی اشتغال، ضمن تأیید آن، خواستار صراحت بیشتر و رفع ابهام‌های قانونی گردید که در پی آن مجلس باردیگر به نام "ابهام‌زدایی قانونی"، موقعیت کمیته امداد را در ترکیب شورای عالی اشتغال تثبیت کرد. خبرگزاری ایرنا، ۲۶ مردادماه، در گزارشی در این باره، از قول عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، نوشت: "شورای نگهبان اعلام کرده بود، شورا [شورای عالی اشتغال] متشکل از وزرا است و کمیته امداد حق رأی (طبق مصوبه ندارد)... در جلسه کمیسیون اجتماعی پیشنهاد دادیم تا حق رأی به کمیته امداد داده شود و نهایتاً مصوبات این کمیته به امضای رئیس جمهور برسد. لذا این موضوع در روند اجرای مصوبات اختلالی ایجاد نمی‌کند." یادآوری می‌کنیم که، علاوه بر وزیران و مسئولان کمیته امداد و بنیاد شهید، دو نفر از اعضای کانون شوراهای اسلامی کار به عنوان "نمایندگان کارگران" با تصویب و معرفی وزیر کار به عضویت شورای عالی اشتغال پذیرفته می‌شوند. حال با این ترکیب، یعنی اعضای شوراهای اسلامی کار، که در کلیه تصمیم‌های ضدکارگری جانب کارفرمایان را گرفته‌اند، و بنیادهای انگلی‌ای مانند کمیته امداد خمینی، قرار است شورای عالی اشتغال چگونه و بر اساس کدام برنامه به مسئله اشتغال و بیکاری رسیدگی کند؟!

بی‌جهت نیست که مدیرکل کارایی کمیته امداد خمینی بلافاصله پس از تصویب این طرح، اعلام داشت که، کمیته امداد امسال برای اشتغال ۲۰۰ هزار نفر برنامه دارد. به گزارش خبرگزاری ایرنا، ۱۲ شهریورماه، مدیرکل کارایی کمیته امداد یادآوری کرد: "امسال برای ۲۰۰ هزار نفر برنامه داریم... امسال از سوی مراکز کارایی ۴۰ هزار شغل برای مددجویان کمیته امداد در سطح هر استان ایجاد می‌شود... به‌طور میانگین کمیته امداد در سطح کشور به‌ازای هر مددجویی که در کارگاه‌ها از سوی کارفرمایان به‌کار گرفته شود، حدود ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار ریال حق بیمه سهم کارفرما را پرداخت می‌کند." به این ترتیب، کمیته امداد خمینی در مقام نهادی انگلی که سالانه میلیون‌ها تومان درآمد کشور را می‌بلعد، واسطه مهیا کردن نیروی کار ارزان برای کارفرمایان می‌شود. کارگران و جویندگان کار که از سوی کمیته امداد خمینی به‌عنوان مددجو به کارفرمایان معرفی می‌شوند، فقط به‌صورت موقت و بدون دریافت مزایایی چون حق بیمه و بازنشستگی وادار به کار شده و پس از مدت کوتاهی اخراج می‌شوند و جای آنان را مددجویان تازه می‌گیرند و به این ترتیب اولاً بودجه کشور به نام اشتغال‌زایی به جیب کمیته امداد و بنیاد شهید می‌شود و ثانیاً این که کارفرمایان از امضای قرارداد و پرداخت حق بیمه و دستمزد مناسب به کارگر "تجارت" می‌یابند.

آنچه در این میان بی‌اهمیت قلمداد می‌شود، سرنوشت کارگران و میلیون‌ها بیکاری است که به‌اجبار و به‌شکل وحشیانه استثمار می‌شوند و از دریافت حقوق یک کارگر محروم می‌شوند!

حضور بنیادهای انگلی‌ای نظیر کمیته امداد و بنیاد شهید در شورای عالی اشتغال، به‌زبان زحمتکش‌ان و مانعی دیگر در برابر تقویت و رشد تولید و اشتغال در کشور است!

ادامه «وحدت جناح‌ها» ...

می‌توان نام برد. عملیاتی شدن طرح حذف یارانه‌ها (برای آزادسازی قیمت‌ها) به‌وسیله دولت احمدی‌نژاد - و هم اکنون حمایت فراجحای و از جمله پشتیبانی مستقیم "رهبر" در جهت ادامه اجرای این طرح ضد مردمی به‌وسیله دولت یازدهم، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های "وحدت" بین جناح‌ها به‌منظور حفظ این اقتصاد سیاسی و ارتقای آن به سطح مدرن‌ترین شیوه سوداگری و ثروت اندوزی، است.

مهم‌ترین عرصه همگرایی جناح‌های قدرت هم اکنون "وحدت" آن‌ها پیرامون لزوم دفع تهدید برآمده از جانب مردم نسبت به "حفظ نظام" است، که به‌دلیل پیامدهای سیاست‌های مخرب اقتصادی دولت‌های حاکم و فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌های مالی دولت آمریکا، می‌تواند به خطری جدی تبدیل گردد. این "وحدت"، همان "عزت ملی" ادعایی است که دائماً علی‌خامنه‌ای بر آن تاکید می‌کند، و طیف مختلف هواداران دولت یازدهم نیز، همراه با توهم‌پراکنی، از آن با نام "وحدت ملی" پیرامون دولت حسن روحانی یاد می‌کنند. مطرح شدن "ترمش قهرمانانه" از جانب "رهبری"، اسم رمز لزوم "وحدت" عمل بین کانون‌های قدرت در راستای پشتیبانی کامل از دولت یازدهم برای جا انداختن نقش رژیم ولایتی در "طرح خاور میانه جدید" دولت آمریکا است. نیروی محرکه و انگیزه "وحدت" جناح‌های قدرت پیرامون اصل "ترمش قهرمانانه"، به‌دلیل به‌اسارت گرفته شدن اقتصاد ملی ایران از طریق تحریم‌های مالی از سوی آمریکا است که در بطن خود بر خطر رودررویی مردم با دیکتاتوری حاکم را نیز به‌طور دائمی می‌افزاید. در یک سال پایانی دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، توازن قدرت بین جناح‌های اصلی درون رژیم ولایتی به وضوح نامتعادل شده بود و مهندسی انتخابات ۹۲ و برآمدن حسن روحانی از آن ضرورتی بود با هدف به‌وجود آوردن تعادل در روبنای سیاسی، که در نهایت، به فرادستی جناحی که حسن روحانی نمایندگی سیاسی آن را برعهده دارد منجر گردید. تحلیل ما از شرایط آن دوره نشان می‌داد که رژیم ولایتی به اتخاذ حرکت‌های جدی برای برون رفت از یک بحران خطرناک ناچار است: "اوضاع کنونی کشور ما زیر تاثیر مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی، حالتی سیال به‌خود گرفته است که احتمال به‌وجود آوردن طیف گوناگونی از تحول‌های کلیدی آینده ساز را، بنابر شرایطی مشخص، می‌تواند امکان‌پذیر کند. رژیم حاکم به‌وضوح دچار بحران جدی است، و در تلاش است که به هر قیمتی شده است تعادل خود را بازیابد و بقای خود را تضمین کند" (نامه مردم، شماره ۹۰۹۱۳، بهمن ماه ۱۳۹۲).

جناح‌های قدرت در رژیم ولایتی به این امر به‌خوبی واقفاند که هدف اصلی، یعنی "بقای نظام"، و جای گرفتن نقش رژیم ولایتی در "طرح خاور میانه جدید" که همراه اجرای تعدیل‌های نولیبرالی در اقتصاد [دست یابی به ثروت‌های بیشتر]، همگی، به‌صورت لازم و ملزوم و در پیوند با یکدیگرند. در این ارتباط، حکومت مطلقه ولایت‌فقیه درحکم چارچوب، و دولت حسن روحانی درمقام انجام دهنده مأموریتی دیپلماتیک - مأموریت تعامل [بدهستان] با آمریکا از جایگاه ضعف - تمامی تصمیم‌ها را می‌گیرند و اجراء می‌کنند. در این تصمیم‌گیری‌ها - که حق حاکمیت ملی کشور در معرض پایمال شدن است و موجب تداوم دیکتاتوری ولایتی و به‌موازات آن تحکیم نقش امپریالیسم در منطقه را موجب می‌گردند - مردم کشور ما هیچ‌گونه نقش و سهمی ندارند. اصولاً مردم میهن ما نقشی در حکومت و ساختار قدرت ندارند و نمی‌توانند داشته باشند، زیرا نقش مردم در حکومت تنها در مجرای دموکراتیک می‌تواند اعمال گردد و این، در تضاد آشتی‌ناپذیر با رژیم ولایتی قرار دارد.

بر اساس تحلیل پیش گفته، درباره ساختار قدرت و ریشه‌یابی منشأ پیوندها و نزاع‌های هم‌زمان بین کانون‌های قدرت درون هرم رژیم ولایتی، حزب توده ایران معتقد است که در حال حاضر مسئله اصلی در کشور ما به‌هیچ‌وجه تقابل قدرت میان دولت "تدبیر و اعتدال" و جناح "تندروها" نیست. بزرگ‌نمایی نقش این به‌اصطلاح "تندروها" درمقام عاملی بازدارنده در برابر خواست حسن روحانی برای انجام تغییر به‌نفع

مردم و یا اینکه "تندروها نمی‌گذارند دولت یازدهم کاری برای مردم انجام دهد"، پرده دودی است برای پنهان ساختن روند اصلی تحول‌های تعیین‌کننده و توجیه اثرگذار نبودن دولت حسن روحانی بر بهبود شئون اساسی جامعه. توجه‌برانگیز اینکه، در زمینه دیپلماسی و ایجاد رابطه با آنچه که تا به حال با عنوان "استکبار" و "شیطان بزرگ"، یعنی آمریکا، تلقی می‌شده است، هیچ‌کدام از جناح‌های اصلی در برابر حسن روحانی نه تنها درمقام عاملی بازدارنده عمل نکرده‌اند، بلکه بسیار محکم پشت فعالیت‌های تیم وزارت خارجه نیز ایستاده‌اند. جیغ و فریادها و جفتک در هوا زدن اشخاصی مانند مصباح یزدی‌ها، رسایی‌ها، و کوچک‌زاده‌ها را به‌هیچ‌وجه نمی‌توان عاملی بازدارنده دانست، زیرا این به‌اصطلاح "تندروها" در برابر حکم و نظر ولی فقیه هیچ عددی به‌حساب نمی‌آیند. بنابراین، حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که دولت یازدهم واقعاً خواهان انجام رفرم‌هایی است اما این "تندروها نمی‌گذارند"، این خود نیز تایید کننده این نقطه‌نظر حزب توده ایران است که: در چارچوب حکومت مطلقه ولایت فقیه، که تمامی جناح‌های قدرت خواهان تداوم آن‌اند، اصلاحات بنیادین و پایان دادن به دیکتاتوری حاکم امکان‌پذیر نیست، زیرا اگر قرار است کسی از عملکرد حسن روحانی [به‌فرض انجام رفرم] جلوگیری کند، آن شخص به‌غیر از خامنه‌ای، قدرت و یا شخص دیگری نمی‌تواند باشد. واقعیت این است که دولت یازدهم و حسن روحانی، زائیده حکومت مطلقه ولایت فقیه و وصل به آن است، بنابراین هر نوع انتظار انجام تغییر واقعی در سمت مترقی به‌وسیله حسن روحانی و دولت یازدهم، انتظاری است غیر منطقی.

برای آزمون صحت ارزیابی حزب ما در مورد خصلت اصلاح‌ناپذیر بودن رژیم ولایتی، و عملکرد دولت حسن روحانی در خلاف جهت منافع و انتظارات مردم، کافی است به آنچه که زیر پوست جامعه نسبت به دولت یازدهم و قول‌ها و وعده‌های حسن روحانی در جریان است اشاره کنیم. هر کس که در ایران زندگی می‌کند به دو مسئله اساسی به‌خوبی واقف است: ۱. زندگی مادی و معنوی قشرها و طبقه‌های زحمت و کار نه تنها بهبود نیافته است، بلکه به‌صورت فاحشی آفت کرده است و این بهبود نیافتگی زندگی، طیف وسیعی از لایه‌های میانی جامعه را نیز دربر می‌گیرد. ۲. به‌دلیل استیلای جو سرکوب سازمان‌یافته به‌وسیله ارگان‌های حکومتی، عملاً امکان اعتراض سازمان‌یافته نسبت وضع موجود و بی‌عدالتی اقتصادی وجود ندارد. هرگونه توجیه تحلیل‌گران هوادار حسن روحانی برای بزرگ کردن وضع کنونی، کاری است عبث، زیرا آنچه که مردم با پوست و گوشت خود هرروزه لمس می‌کنند، واقعیت موجود است. این واقعیت عریان را نمی‌توان با بازی با امار آن گونه که حسن روحانی در گفت‌وگوی تلویزیونی ۲۱ مهرماه‌اش (درباره پائین آمدن نرخ تورم) مدعی بهبود اوضاع شد، تغییر داد.

کنگره ششم (بهمن‌ماه ۱۳۹۱) حزب توده ایران، با تاکید بر اینکه مادامی که حکومت در کشور ما بر اساس ولایت فقیه است، امکان انجام تغییرهای بنیادی وجود ندارد، و در پاسخ به سؤال پایه‌ای "تحول از کدام راه؟"، به این نتیجه رسید: "حزب توده ایران مدت‌هاست به هدف برچیدن بساط قرون وسطایی و برقراری آزادی‌های دموکراتیک، بر ضرورت وحدت، همکاری، و همیاری نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور، در برپایی یک جبهه واحد در برابر استبداد پافشاری کرده است. اصل ولایت فقیه، در مقام نظریه و عملکرد رژیم استبداد قرون وسطایی در میهن ما، همه ساختارهای اجرایی، قانون گذاری و قضایی را به‌شدت زیر تأثیر قرار داده است. در چنین وضعیتی... قانون و قانون اساسی ملاک تصمیم‌گیری‌ها نیست... (برنامه مصوبه کنگره ششم). قابل توجه است که چهار ماه بعد از کنگره ششم، صحت تحلیل حزب ما مهندسی انتخابات ۱۳۹۲ تأیید گردید.

جنبش مردمی کشور ما بار دیگر با درس‌گیری از سرکوب خونین حرکت‌های مردمی جنبش سبز (۱۳۸۸) در حال نضج‌گیری است و می‌باید با افشا کردن توهم‌زایی پیرامون ماهیت دولت "تدبیر و اعتدال" و با بالا بردن آگاهی اجتماعی (مانند: جنبش وسیع مردم را در جهت برپایی اتحادها به‌وسیله نیروهای اجتماعی (مانند: جنبش کارگری، زنان، و دانشجویی) سوق دهد. با وجود اینکه بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان و اپوزیسیون که در مهم‌ترین لحظه، یعنی در مرحله مهندسی انتخابات ۱۳۹۲، جنبش مردمی را رها کردند و با گذر از جنبش سبز به کاروان جنبش بنفش حسن روحانی پیوستند و صدمه‌هایی بر جنبش مردمی وارد آوردند، اما جنبش به راه خود در مبارزه با دیکتاتوری حاکم ادامه می‌دهد.

تحلیل‌های حزب ما از شرایط مشخص کنونی نشان می‌دهند که، گذر به مرحله ملی - دموکراتیک، چه‌ش کیفیت‌ای است که نیروهای مترقی ملی و مردمی، به‌وسیله برنامه حداقلی مشترکی، می‌باید آن را متحدانه به‌سرانجام رسانند. حزب ما در مورد مرحله تغییرهای بنیادی در کشور، به این اصل مهم اشاره می‌کند: "واقعیت انکارناپذیر این است که در این راه به‌غیر از رویارویی متحدانه با ولی فقیه و منافع سیاسی - اقتصادی نیروهای ذوب در ولایت که

گردآمدن یاران ارانی در اتریش



جشن هفتادوسومین سالگرد بنیادگذاری حزبمان در روز شنبه ۴ اکتبر با شرکت ده ها تن از هم میهنان ایرانی و همچنین مهمانان خارجی در شهر وین (اتریش) برگزار گردید. در میان مهمانان شرکت کننده در جشن دوستانی با اندیشه های دیگر نیز دیده می شدند. استقبالی که از این برنامه به عمل آمد بار دیگر نشان داد که حزب توده ها، سیامک ها، روزبه ها، فاطمه مدرسی ها، هانقی ها و باقرزاده ها، را می توان سرکوب کرد، اما اندیشه ها و آرمان های بزرگ این حزب را نمی توان به بند کشید و نابود ساخت. سالن جشن بزرگداشت هفتادوسه سالگی حزب با شعارهای گوناگون تزئین شده بود. بر پیشانی سالن نوشته شده بود: "فرخنده باد هفتاد و سومین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران" و "حزب توده ایران برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی". در اطراف سالن شعارهایی برای آزادی زندانیان سیاسی به فارسی و آلمانی به چشم می خورد. عکس هایی از رفقا حیدرعمواغلی، تقی ارانی، خسرو روزبه و فاطمه مدرسی و همچنین پوسترهایی از رفقای جانباخته حزب در بخش ورودی سالن نصب شده بودند.

جشن با نواختن سرود حزب و به پا خاستن یکسره شرکت کنندگان آغاز شد. سپس مجری برنامه در سخنرانی خود به فارسی و آلمانی به مهمانان خوش آمد گفت و پس از اعلام برنامه از جمله اظهار داشت: "دو رژیم پادشاهی و جمهوری اسلامی تمامی تلاش خود را بکار بستند و در این زمینه از همکاری دولت های امپریالیستی نیز بهره جستند تا حزب توده ایران را به زعم خویش ریشه کن کنند. شاه دسته دسته توده ای ها را پس از کودتای ۲۸ مرداد به جوخه اعدام سپرد و رژیم جمهوری اسلامی سد ها تن از رهبران و کادر های حزب مان را پس از شکنجه های قرون وسطایی به طناب دار آویخت. با این خیال که خود را برای همیشه از توده ای ها و اندیشه های آنان خلاص سازند.

علیرغم آن همین که ما امروز در این جا گرد آمده ایم و ۷۳ مین سالگرد حزب توده ایران را جشن می گیریم، خود نشانه آن است که آن ها در این کار موفق نبوده اند. داغ این آرزو بر دل آنها مانده است و این را ما پیش از همه مدیون فداکاری ها و از خودگذشتگی های رفقای شهیدمان هستیم. آن ها با گذشتن از جان خود در دخمه های رژیم شاهنشاهی و در شکنجه گاه های رژیم جمهوری اسلامی از آرمان ها و اندیشه های انسانی خود و از حقانیت حزبشان دفاع کردند. از میان آنان از جمله رفقای که بیش از ۳۱ سال از عمر خود را در زندان های این دو رژیم سپری کرده بودند، سرانجام در سال ۱۳۶۷ اعدام شدند. نمی توان جنایت را دید و بی طرف ماند. او سپس از مهمانان در خواست کرد تا به یاد تمامی جانباختگان حزب و تمامی جانباختگان راه استقلال، آزادی، صلح و عدالت اجتماعی در ایران برای یک دقیقه سکوت، بپا خیزند. او همچنین گفت: "حزب توده ایران علیرغم همه ضربه های خونین، امروز باز هم زنده و فعال، به عنوان یکی از سازمان یافته ترین و منسجم ترین نیروهای سیاسی چپ میهن، نقشی مهم در بیکار با رژیم جمهوری اسلامی ایفا می کند."

سپس یکی از رفقای پیش کسوت حزبی به سخنرانی پرداخت و در سخنرانی خود فرازهایی از اعلامیه کمیته مرکزی حزب به مناسبت هفتادوسومین سالگرد بنیادگذاری حزب را خواند. در ادامه برنامه، یکی از دوستان به دکلمه شعر "مهرگان نو" از شاعر مردمی ه. ا. سایه پرداخت: "گرم هر کار، مست هر پندار / همهر هر پیام، هر سوگند / در دل هر نگاه، هر آواز / توی هر بوسه، روی هر لبخند / بسراییم: مهرگان خوش باد"

پس از آن نوبت به نماینده حزب کمونیست اتریش و مسئول استان وین این حزب رسید تا پشت تریبون قرار بگیرد. او از جمله گفت: "از دعوت شما و همچنین از

جشن های سالگرد تأسیس حزب توده ایران



جشن سالگرد در سوئد

استکهلم امسال شاهد برگزاری جشن هفتاد و سه سالگی حزب توده های کار و زحمت بود. هوای پاییزی با دمایی لطیف یاری نمود تا رفقا، دوستان، هواداران و مهمانان ما از شهرهای و محله های گوناگون سوئد گرد هم آیند و در فضایی مملو از مودت و دوستی تا پاسی از شب سالروز تأسیس حزب ارانی و یارانش را گرامی بدارند. زمانی که یک دقیقه سکوت بیاس شهیدهای حزب و جنبش را طنین سرود چهارم حزبمان خاتمه داد، حس زیبا و دوگانه غرور و تجدید پیمان در چهره تک تک رفقا و هواداران حاضر در سالن جشن به سهولت عیان بود. غرور بخاطر تعلق به تاریخی سراسر رزم و ایثار در راه کارگران و زحمتکشان میهن و تجدید پیمان برای تداوم این مسیر علیرغم شناخت به ناهمواری و خرابی آن. سالن مراسم با شعارها و سمبل های حزبی و کمونیستی آذین بسته شده بود و هر مهمانی را ناخودآگاه تحت تأثیر آرمان و اعتقاد توده ای ها قرار می داد. روحیه همبستگی بین المللی کارگری - کمونیستی جشن، با حضور رفقای کمونیست از سوئد، شیلی، بولیوی، پرو، یونان، عراق و افغانستان، حکایتی قاطع از اعتبار وزین حزب توده ایران در عرصه جهانی داشت.

هیئت نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و نماینده ای از جبهه ملی در سوئد نیز از جمله مهمان های حاضر در مراسم بودند که به غنای جشن می افزودند.

مراسم امسال از دو بخش تشکیل شده بود. دو سخنرانی که یکی فرازهایی از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگری افشای سیاست اقتصادی دولت حسن روحانی و رابطه اش با بیکاری فزاینده در کشور را بیان می کردند، به همراه نمایش فیلم کوتاهی از تاریخچه حزب از ابتدای بنیادگذاری آن تا به امروز، محتوی اصلی بخش اول را تشکیل می دادند. در همین بخش و در بین سخنرانی ها و نمایش فیلم، هنرمندی جوانی چند اثر ایرانی و کلاسیک را به مدد رقص سرانگشتان سحرآمیزش بر روی کلیدهای سفید و سیاه، ماهرانه تقدیم حاضرین در جشن کرد. هارمونی خوشایندی سراسر فضای سالن را از آن خود کرده بود. نخستین بخش برنامه با اعلام پیام های شادباش رسیده و قرائت برخی از آنها توسط نمایندگان حزب و سازمان متبوعه خود، و سپس با پخش سرود انترناسیونال به پایان رسید.

در بخش دوم مهمانان ما به سالن غذاخوری راهنمایی شدند و صمیمانه در کنار هم ضمن صرف غذا به گفتگو نشستند. سپس مسابقه ای ابتکاری، آموزنده و گروهی، رقابت شاد و زنده ای بین شرکت کننده ها ایجاد نمود و هر گروهی برای کسب جایزه از دانش و حافظه گروهی خود یاری می جست تا گوی سبقت را از گروه دیگر برپاید.

مراسم جشن با تقسیم و صرف کیک سفارشی و دستپخت یاران حزب، که نقش گل و خار را بر روی خود حمل می کرد، و سپس ترانه خوانی تا نیمه شب ادامه داشت.

ادامه دولت روحانی و جنبش دانشجویی ...

سلب، هر گونه فعالیت سیاسی خارج از چارچوب‌های حکومتی ممنوع، و هرگونه اظهار نظر مستقلانه در ارتباط با مسائل داخلی و خارجی در گلوها خفه شود. روحانی در قسمتی دیگر از سخنرانی‌اش به بی‌وزیر ماندن وزارت علوم، و به فشارهایی که برای تعیین وزیر به او وارد می‌شود، اشاره کرد که در چهار مورد بار و در نهایت با استیضاح روبه‌رو شده‌اند. با اینکه مدتی است از استیضاح فرجی دانا گذشته است، اما وزارت علوم هنوز بی‌وزیر مانده است و قطعاً روحانی در حال رایزنی با گروه‌های سیاسی است تا کاندیدای مورد نظر آن‌ها را معرفی کند. دولت روحانی که به نام دولت "تدبیر و امید" معروفیت پیدا کرده است، در طول یک سال گذشته، تمامی هم و غمش را در مسیری به‌کار گرفته است که تدبیرها و امیدهای سرکوبگران حاکم را به سرانجام رساند. شکست چهارباره در تعیین یک وزیر ثابت برای وزارت خانه علوم، و کرنش و التماس برای گرفتن مجوز برای این وزارتخانه، ماهیت جریانی که دم از مردمی بودن و حمایت از مردم می‌زند را به روشنی آشکار می‌کند. شاید این سخن حسن روحانی با این مضمون که می‌گوید با رفتن یک وزیر سیاست‌های یک وزارتخانه تغییر نمی‌کند، صحیح باشد. سیاست‌های اتخاذ شده در طول همین یک سال نسبت به دوران قبل از حسن روحانی، در عمده‌ترین و مبرم‌ترین مسئله‌ها، دست‌نخورده باقی مانده‌اند و با توجه به اشراف کامل بیت رهبری به این امر، به دلیل خطرناک بودن محیط‌های آموزشی برای رژیم، کماکان بدون تغییر باقی خواهند ماند. روحانی مزورانه از این بابت سعی در القای دروغی دارد که مبنای آن به‌وجود آوردن این باور در ذهن‌هاست که، از هنگام روی کار آمدن دولت وی تغییرهای مهمی در این عرصه محیط‌های آموزشی به‌وقوع پیوسته است. ما هم همچون حسن روحانی اعتقاد راسخ داریم که با تعیین وزیر جدید تغییرهای بنیادینی به‌نفع جنبش اجتماعی صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل، این نکته را بار دیگر گوشزد می‌کنیم که، اصولاً تغییرهای بنیادین در چارچوب رژیم ولایت فقیه امکان‌ناپذیر نیست.

ادامه «وحدت جناح‌ها» ...

شریان‌های اقتصادی کشور را به دست دارند راه دیگری موجود نیست. بنابراین، راه به جلو مستلزم رهبری قوی و جسورانه جنبش مردمی به وسیله تالیف هوشمندانه خواست‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی است. فقط با اتکاء به نیروهای اجتماعی و در دست داشتن یک "برنامه حداقل" می‌توان با کار سازمان یافته و صبورانه در سطح جامعه شرایط ذهنی ضروری برای گذر از مرحله استبداد را به صورت مؤثر پروراند. "برنامه نوین مصوب کنگره ششم حزب توده ایران، در بخش "منشوری برای وحدت عمل و آزادی ایران از چنگال استبداد و دیکتاتوری"، به تفصیل مکانیسم‌های عملی گذار از دیکتاتوری به مرحله دموکراتیک در سطح ملی در بُعدهای سیاسی - اقتصادی - اجتماعی برمی‌شمارد. حزب ما با محور دانستن منافع مادی و معنوی زحمتکشان و تأکید بر بالا بردن نقش سیاسی طبقه کارگر، به‌منظور بنیاد نهادن دموکراسی، استقرار عدالت اجتماعی، و دفاع از منافع ملی در برابر تهدید امپریالیستی، مبارزه می‌کند. بسیار مفید خواهد بود که دیگر نیروهای سیاسی مطرح در سطح جامعه نیز به‌صورت منسجم و دقیق تحلیل‌های مشخص و راهبردهای خود را برای امکان ارزیابی و به‌وجود آوردن مخرج مشترک‌ها در اختیار جنبش مردمی قرار دهند.

ادامه جشن های سالگرد حزب ...

این که این فرصت را در اختیار من گذاشته اید تا با شما سخن بگویم، سپاسگزار می‌کنم. من فکر می‌کنم، آن چه که مربوط به ایران می‌شود شما خود بسیار بیشتر از من می‌دانید، اما اجازه بدهید کمی در مورد وضعیت جاری در عراق و سوریه بگویم. این روزها من بیشتر به مبارزین دلیر کرد و دیگر بی‌کارگرانی که در عراق و سوریه در برابر رژیم ترور داعش مبارزه می‌کنند، فکر می‌کنم. من فکر می‌کنم که همه ما موافقیم که باید با همه از امکانات در برابر این رژیم بربر استفاده کرد و این مبارزه همبستگی همه ما را می‌طلبد. زنده باد همبستگی بین المللی! " او سپس به مبارزه پیش روی حزب در اتریش و گسترش فقر در این کشور سخن گفت.

پس از آن نماینده و مسئول حزب کمونیست عراق در اتریش پیام این حزب را به فارسی قرائت کرد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت. او در این پیام با ستایش از کارزارهای تاریخی و خونبار حزب توده ی ایران در برابر رژیم شاه و رژیم ولایت فقیه از جمله گفت: "از صمیم قلب ۷۳ سالگی بنیادگذاری حزب برادر، حزب توده ایران را به همه اعضا و هواداران حزب در اتریش، در داخل و خارج از ایران تبریک می‌گوییم. تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه، به خصوص در عراق و سوریه بسیار مخاطره انگیز است. از جمله می‌توان از حمله های ضدبشری تروریست های نیروهای دولت اسلامی داعش به شهرهای موصل، سنجار، تکریت و دیگر شهرهای عراق و کردستان و کشتار دسته جمعی مردم و سربردن هزار ها نفر از مردم بی گناه و اسیر کردن پنج هزار ایزدی و فروش زنان ایزدی در شهرهای عراق، سوریه و عربستان سعودی نام برد. حمله های هوایی امریکا، فرانسه و بریتانیا بر ضد نیروهای داعش آغاز شده اند. در همین رابطه دخالت کشورهای خارجی از جمله جمهوری اسلامی ایران، امریکا، بریتانیا، فرانسه، عربستان، قطر، امارات، اردن و دیگر کشورها بخصوص پس از تشکیل ائتلاف ضد داعش در عراق افزایش یافته است. نیروهای رژیم اسلامی ایران مستقیماً در جنگ، به همراه هادی العامری (وزیر کنونی راه و ترابری این کشور و آخرین فرمانده سپاه بدر، شاخه نظامی مجلس اعلا ی اسلامی عراق) همراه چهار هزار شبه نظامی در آزادسازی شهر امرلی با همراهی حمله های هوایی امریکا شرکت داشتند." او همچنین گفت که پشتیبانی ایزدی ها از حزب کمونیست عراق بسیار چشمگیر است و این حزب در انتخابات گذشته پارلمان عراق توانست بیش از ده هزار رای از سوی ایزدی ها به دست آورد. رفیق مسئول حزب کمونیست عراق در اتریش در پایان بار دیگر بر تحکیم و تقویت پیوندهای برادرانه میان کمونیست های ایران و عراق و پیوندهای تاریخی دوستی میان مردم ایران و عراق تأکید کرد. پس از آن رفیق نماینده حزب کار اتریش پشت تریبون قرار گرفت تا پیام شادباش و همبستگی رهبری این حزب را بخواند. رفیق از جمله گفت: "حزب ما که یک سال پیش به عنوان حزب یکارجوی زحمتکشان اتریش تشکیل شده است، احترام عمیقی نسبت به تاریخ قهرمانانه جنبش کارگری ایران و کمونیست های آن که در حزب توده ایران گرد آمده اند، دارد. غیرقانونی بودن ده ها ساله حزب شما و این امر که ییکار شما در برابر رژیم ارتجاعی در ایران شهیدان بسیاری را طلب کرده است، منجر به احترام ویژه ای نسبت به حزب شما در نزد مردم ایران و تمامی جامعه مترقی دنیا شده است. حزب ما صمیمانه به حزب شما در مفهوم همبستگی انترناسیونال پرولتری شادباش می‌گوید."

از سوی رئیس شورای کشوری حزب مردم افغانستان در اتریش نیز پیام زیر به نمایندگی حزب در اتریش فرستاده شده بود: "رفقای ارجمند! صمیمانه ترین شادباش های ما را بمناسبت هفتادوسومین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران بپذیرید. حزب پر افتخار شما بمثابة یکی از کهن ترین احزاب داد خواه در منطقه ما، همواره پرچم مبارزه را بخاطر بر آورده ساختن منافع و آرمان های انسان زحمتکش، پیشرفت و داد اجتماعی بر افراشته نگهداشته و کار نامه های درخشان آن مملو از فداکاری های بی نظیر، مبارزات حماسه آفرین و رسانش اندیشه های پیشرو به توده های مردم بوده است. تجارب گرانبهائی مبارزات سیاسی حزب توده ایران نه تنها مایه الهام همه رهروان راه مردم در سرزمین شماسات، بلکه برای نهضت دموکراسی، ترقی و داد اجتماعی در کشور ما نیز انگیزه آفرین است. برای ما مایه خوشی فراوان است که روابط میان مبارزین هر دو کشور برادر همواره نزدیک و متکی بر دوستی، همبستگی و همکاری رفیقانه بوده و در آینده هم چنین خواهد بود. برای شما و همه هموندان حزب رزمنده تان پیروزی های بیشتر در ییکار عادلانه بخاطر دموکراسی، آزادی عدالت اجتماعی در شرایط دشوار سیاسی کنونی ارزو نموده و کامگاری های تان را خواهانیم. همیشه سبز باشید!" برنامه پس از بخش پیام ها با خوانش تکه ای از نثر شاعرانه رفیق طبری از دفترچه "با چپچه پائیز" ادامه پیدا کرد: "باز می‌گردم با پادشاهان نگرگ و ستارگان بانگ زن. باز می‌گردم با عصارة فراگیر سنبله ها. باز می‌گردم تا در همه ریشه ها هم آهنکی گرم آسمان ها را بنوازم: در روزی معصوم، در روزی خردمند." پس از آن از شرکت کنندگان در جشن با بوفه شام خوراک های رنگین ایرانی، که به همت چند تن از هواداران و دوستداران حزب تهیه شده بود، پذیرایی شد. دوستان و رفقا پس از صرف شام به برنامه هنری جشن که در جهت همبستگی با مردم فلسطین در نظر گرفته شده بود، گوش فرا دادند. مروان عابدو، آهنگساز، نوازنده، خواننده و شاعر فلسطینی به همراهی ساز عود، برنامه موسیقایی زیبایی خود به نام "راشانا" (دریچه ای به سوی روشنائی) را اجرا کرد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت. برنامه جشن هفتاد و سومین سالگرد بنیادگذاری حزبمان در اتریش با بریدن کیک تولد حزب، موسیقی شاد ایرانی و پایکوبی تا پاسی از شب ادامه داشت.

شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در: کنفرانس "مارکسیسم قرن بیست و یکم"



* هانس مودرو، آخرین نخست‌وزیر آلمان دموکراتیک سابق، و صدر کنونی حزب چپ آلمان، در روز اول این کنفرانس از ترجمه انگلیسی تازه‌ترین کتاب خود "پروستریکا و آلمان - حقایق در ویرای اسطوره‌ها" رونمایی کرد.

* نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در گردهمایی اصلی روز گشایش کنفرانس به همراه هانس مودرو، رفیق نصری برقوتی نماینده حزب مردم فلسطین، و رفیق ایراکلیس تسواداردیدیس دبیر اجرایی شورای جهانی صلح، که برای شرکت در این کنفرانس به لندن دعوت شده بود، از سخنرانان اصلی کنفرانس بود.

در سخنرانی گشایش کنفرانس از جمله ضمن اشاره به ادامه بحران رکود اقتصادی سال‌های اخیر گفت: "نیاز برای درک و تشخیص همه‌جانبه‌اندیشه‌ها و تحلیل‌های مارکسیستی برای درس‌گیری از مبارزات گذشته و شکل دادن به مبارزه برای آینده بشر هیچ‌گاه از لحظه‌های کنونی مبرم‌تر و ضروری‌تر نبوده است... اوج‌گیری و رشد علاقه مردم به اندیشه‌ها و آثار مارکس کاملاً قابل فهم است. به‌ویژه از زمانی که بحران سرمایه‌داری در سال ۲۰۰۸ اقتصادهای بزرگ جهان را زیر و رو کرد، و اقتصاددانان و سیاستمداران بورژوا در سراسر جهان از شکست الگوی اقتصادی محکوم به فزونی خود "متعجب" شدند. مارکسیسم هیچ‌گاه حوزه‌ای جامد و جدا از بقیه علمی مورد نظر مارکس نبوده، بلکه تئوری زنده و خلاق است که در این قرن و ویرای آن، و در سایه تجربه فردی و جمعی مبارزه کارگران و زحمتکشانشان، باید آن را روزآمد کرد و گستراند. موضوع‌های مورد بحث، نشست‌ها و سخنرانی‌های کنفرانس امسال "مارکسیسم قرن بیست و یکم" در پرتو چنین دیدی به تحلیل علمی رویدادها و مبارزه مردم برنامه‌ریزی شده است."

بحث‌های کنفرانس که در روزهای اوج حمله جنایتکارانه نیروهای نظامی اسرائیل به نوار غزه و موج کشتار زنان و کودکان بی‌گناه فلسطینی و ویرانی کامل این منطقه پُرجمعیت انجام می‌شد، نمی‌توانست بی‌تأثیر از آن رویداد فاجعه‌بار باشد. حضور نماینده حزب مردم فلسطین، رفیق نصری برقوتی، و سخنرانی او در گردهمایی اصلی روز اول کنفرانس، شرکت و سخنرانی جرمی کوربین، عضو مارکسیست و ترقی‌خواه پارلمان انگلستان و صدر جنبش ضد جنگ پُر قدرت این کشور، و نیز سخنرانی رفیق ایراکلیس تسواداردیدیس، دبیر اجرایی "شورای جهانی صلح" که برای شرکت در این کنفرانس به انگلستان دعوت شده بود، به بحث‌های کنفرانس جلوه ویژه‌ای داده بود. رفیق ایراکلیس تسواداردیدیس در سخنرانی خود در جلسه ویژه‌ای به شرایط بسیار تهدید آمیزی که در رابطه با تحولات یکساله اخیر در اوکراین، کودتای فاشیستی در این کشور و موضع‌های پیگیر غیر مسئولانه و ماجراجویانه اتخاذ شده از سوی اتحادیه اروپا و ایالات متحده ایجاد شده سخن گفت و به سؤال‌های شرکت‌کنندگان پاسخ گفت.

در روز دوم کنفرانس، جلسه بحث و گفتگویی در ارتباط با حمله نیروهای تروریستی "داعش" و تهدیدی که از سوی این جریان ارتجاعی متوجه جنبش صلح و ترقی‌خواهی در خاورمیانه است، با شرکت نمایندگان حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست بریتانیا، شورای جهانی صلح و حزب توده ایران برگزار شد. رفیق سلام علی، عضو کمیته مرکزی و مسئول شعبه روابط بین‌المللی حزب کمونیست عراق، تحلیل مارکسیستی جامعی را در ارتباط با وضعیتی که باعث رشد و قدرت‌گیری تروریست‌های داعش شده ارائه داد که مورد استقبال شایان توجه شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

نماینده حزب ما در سخنرانی خود در جلسه‌ای که با شرکت همه نمایندگان کنفرانس

کنفرانس "مارکسیسم قرن بیست و یکم" در لندن که در سال‌های اخیر به ابتکار حزب کمونیست بریتانیا برگزار می‌شود، امسال در روزهای ۵ و ۶ مردادماه گذشته (۲۶ و ۲۷ ژوئیه) صحنه بحث و کلاس‌های آموزشی در رابطه با چگونگی تدقیق تحلیل‌های مارکسیستی و تبادل نظرهایی بود که در آن به بررسی مسائل مهم جهان پرداخته شد. کنفرانس امسال همانند کنفرانس‌های سال‌های اخیر در کتابخانه یادبود مارکس و سالن‌های مجاور کتابخانه که در قلب تاریخی لندن قرار دارند برگزار شد. این همان کتابخانه‌ای است که لنین در دوره مهاجرت سیاسی خود در سال‌های ابتدایی قرن بیستم در انگلستان در آن اتاق کاری داشت و کار انتشار چند شماره نشریه "اسکرا" را در آن دوره از آنجا هدایت کرد.

حضور تعدادی از نمایندگان برجسته حزب‌های سیاسی و جنبش‌های مردمی جهان که در جلسه‌های گوناگون حضور یافتند و در میزگردهای جمعی متعدد در کنار رهبران حزب کمونیست بریتانیا و جنبش کارگری این کشور تحلیل‌ها و تجربه‌های خود را با کمونیست‌های انگلستان به بحث گذاشتند، ارزش خاصی به این کنفرانس داده بود. علاوه بر اعضای رهبری حزب کمونیست بریتانیا، نمایندگان حزب‌های کمونیست عراق، یونان، شیلی، حزب مردم فلسطین، حزب توده ایران، و نیز شخصیت‌های برجسته جنبش چپ و سندیکایی انگلستان در این کنفرانس سخنرانی و در بحث‌ها شرکت کردند. کمیته هماهنگی حزب‌های کمونیست کشورهای دیگر در بریتانیا، که شامل ۹ حزب کمونیست است و رفقای حزب ما مسئولیت سازمان‌دهی و هماهنگی فعالیت‌های آن در بریتانیا را به عهده دارند، در برنامه‌ریزی بحث‌های بین‌المللی این همایش نقش پُررنگی داشت.

یکی از چهره‌های برجسته دعوت شده به این کنفرانس، رفیق هانس مودرو، آخرین نخست‌وزیر آلمان دموکراتیک سابق و صدر کنونی حزب چپ آلمان بود. رفیق مودرو در جریان یکی از نشست‌های این کنفرانس از انتشار ترجمه انگلیسی تازه‌ترین کتاب خود با عنوان "پروستریکا و آلمان - حقایق در ویرای اسطوره‌ها" رونمایی کرد، و در سخنرانی خود، دیدگاه منحصر به فرد و جالب‌توجه خود از نحوه طراحی و عملی شدن سیاست پروستریکا را ارائه کرد؛ سیاستی که که میخائیل گورباچف رهبر وقت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی معرفی و اعمال کرد و اثر عمیقی در حیات اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی داشت، و در نهایت به فروپاشی کشورهای سوسیالیستی اروپا منجر شد. رفیق لیز پین، عضو هیئت سیاسی و معاون صدر حزب کمونیست بریتانیا،



همبستگی حزب توده ایران با مردم کوبانی و مبارزه آنها

زنان و مردان شجاع شهر کردنشین کوبانی واقع در شمال غربی سوریه و در نزدیکی مرز این کشور با ترکیه، نزدیک به ۴ ماه است که به مثابه نماد واقعی مبارزه مردمی در برابر توحش و حمله های تروریسم داعش ایستادگی کرده اند. کوبانی شهر کوچکی است، اما فاجعه در حال شکل گیری در آن که باید زمینه های پیدایی آن را در سیاست تهاجم و تجاوز نظامی دولت جورج بوش به عراق در سال ۲۰۰۳ جستجو کرد افساء کننده منطق و اهداف ضد انسانی دخالت های از نوع "بشر دوستانه" کشورهای امپریالیستی در منطقه خاور میانه می باشد - سیاستی که هنوز هم در چار چوب "طرح خاور میانه جدید" دولت آمریکا در حال اعمال و اجراء است.

مبارزه کوبانی ها فقط برضد آدمکش های حرفه ای داعش نیست، بلکه کوبانی بصورت غیر مستقیم نیز مورد یورش حکومت های ارتجاعی منطقه نیز بوده اند و در واقع تاوان هماهنگ نشدن با سیاست های دولت ترکیه و شیخ نشین های خلیج فارس، زیر رهبری آمریکا، و در راستای سرنگونی رژیم حاکم در سوریه را می پردازد. کوبانی ها در چند سال گذشته حاضر نشده اند در برنامه "تغییر رژیم" سوریه با سیاست های امپریالیسم جهانی همکاری کنند. کوبانی ها با حفظ استقلال نسی خود و به صورت یک جامعه خودگردان، که در آن جوانه های حرکت های دموکراتیک مردمی را می توان دید، ضمن پیش بردن مبارزه برای دموکراسی و حقوق ملی با طرح ایالات متحده برای "تغییر رژیم" در سوریه به مخالفت برخاسته بودند.

فاجعه در حال وقوع در کوبانی نشان می دهد که حرکت های مردمی در منطقه خاور میانه چگونه همیشه توسط نیروهای واپسگرا و ضد مردمی زیر ضربه قرار می گیرند. زنان و مردان مبارز کوبانی به تنهایی برای بقای جامعه خویش در برابر یکی از واپسگرا ترین نیروهای مخرب برآمده از سیاست های تجاوز گرانه امپریالیستی و دست پرورده ارتجاع محلی مبارزه می نمایند. نقش زنان در جنبش مقاومت مردم کوبانی بسیار برجسته و مثال زدنی است. فاجعه در کوبانی افساء کننده نقش ضد انسانی مدعیان "رهبری دموکراسی و حقوق بشر" در راس آنها آمریکا و انگلیس است که در تاریخ معاصر بصورت مستقیم و غیر مستقیم با استفاده از طیف مختلف نیروهای اسلام سیاسی حرکت های مردمی را به نابودی کشانده اند.

نماینده ویژه سازمان ملل در رابطه با سوریه در هفته پیش اظهار کرد که اگر شهر کوبانی سقوط کند فاجعه ای انسانی رخ خواهد داد و هزاران تن از شهروندان کوبانی باقی مانده در شهر توسط طرفداران "حکومت اسلامی" داعش کشتار خواهند شد.

دولت اسلام گرای ترکیه، به رهبری رجب طیب اردوغان، که عضو مهم پیمان ناتو است، در چند هفته گذشته با وجود امکانات وسیع نظامی و متمرکز کردن توان نظامی گسترده ای در چند صد متری کوبانی کوچکترین قدم موثری در مورد پشتیبانی از مبارزین شهر کوبانی و جلوگیری از کشتار آنها برنداشته است. اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، صریحاً اعلام کرده است که هر نوع دخالتی از جانب ترکیه، بر ضد داعش، مشروط به اعلام ممنوعیت پرواز برای نیروی هوایی سوریه و در واقع پذیرش عملیات نظامی ترکیه در سوریه است. حکومت اردوغان سال های گذشته با باز گذاردن مرز های خود با سوریه امکان حمل و نقل و تمرکز نیروهای سلفی و جهادی و تروریست های داعش را برای مبارزه با دولت سوریه فراهم کرده بود.

مطبوعات جهان در روز ۱۰ ماه مهر سخنان جو بایدن، معاون رئیس جمهور آمریکا، را در این زمینه که مؤتلفان آمریکا در خاور میانه و از جمله

ترکیه، عربستان سعودی و امارات متحده عربی با سرازیر کردن میلیارد ها دلار پول، اسلحه و تجهیزات نقشی اساسی در ایجاد و تقویت داعش داشته اند، منتشر کردند. نکته جالب توجه اینکه که در تظاهرات سراسری مردم ترکیه، در روز ۱۵ مهر بر ضد سیاست های ضد انسانی دولت این کشور، ۲۲ نفر بدست پلیس ضد شورش و شبه نظامیان متعلق به حزب عدالت و توسعه کشته شدند و عده بسیاری دستگیر گردیدند. شایان توجه است که نیروهای امنیتی رژیم ولایت فقیه نیز در بسیاری از شهر های کردستان ایران با سرکوب راهپیمایی های شهروندان کرد و دستگیری های وسیع مانع حمایت و پشتیبانی آنها از مبارزان کوبانی شده است.

اگر در حال حاضر سیاست های امپریالیسم در سوریه و عراق بوسیله نیروهای واپسگرا و ضد مردمی دست پرورده آمریکا و متحدان منطقه ای اش با چالش هایی روبرو گردیده است، ولی امپریالیسم هیچگاه به نفع نیروهای مردمی و حرکت های مردمی عمل نکرده و نخواهد کرد. آنچه امروز ضروری است، عملکرد قاطع سیاسی متحد همه نیروهای مترقی و انسان دوست در عرصه جهانی بر محور سازمان ملل است. راه چاره نجات کوبانی از طریق مسلح کردن آنها و یا دیگر نیروهای کرد در منطقه توسط کشور های امپریالیستی نیست. باید از گسترش جنگ و نظامی گری در منطقه جلوگیری کرد. حزب توده ایران خواهان دخالت فوری و مستقیم سازمان ملل و تجهیز و انتقال نیروی حافظ صلح بین المللی [بجای ناتو] برای نجات کوبانی و جایگزینی نقش سازمان ملل بجای نیروهای ناتو به رهبری آمریکا است. حزب توده ایران همبستگی کامل خود را با مردم کوبانی و مبارزه آنها برای حفظ جان و خانه و کاشانه و زندگی شان در برابر تروریسم داعش اعلام می کند.

ادامه شرکت نمایندگی حزب ...

برگزار شد، به تحلیل شرایط چالش برانگیز منطقه خاور میانه پرداخت و رخدادهای سال های اخیر در ایران و منطقه و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر را از دیدگاه مارکسیستی بررسی کرد. او با اشاره به روند مذاکرات میان ایران و آمریکا که در سال های اخیر به طور مخفی در جریان بوده است، با اعلام اینکه حزب توده ایران مدافع و خواهان صلح و مقابله مؤثر با تشنج طلبان در روابط بین ایران و آمریکا است، متذکر شد که در روند مذاکرات کنونی، رژیم ایران از آنجا که به دلیل سیاست های تشنج طلبانه قبلی و تحریم های کمر شکن اقتصادی در موضع ضعف قرار دارد، به نظر می آید که در عمل حاضر شده است به مشارکت و نقش ایفا کردن در اقدام هایی سؤال برانگیز کردن بگذارد که می تواند استقلال ملی کشور را خدشه دار کند. نماینده حزب مان آنگاه در ارتباط با بازچینی سیاست های آمریکا در خاور میانه، وجود شواهد انکارناپذیر از ملاقات های مخفیانه نمایندگان رژیم ولایت فقیه با نمایندگان آمریکا و مذاکره در مورد شرایط و چگونگی تعامل رژیم و نقشی که از سوی امپریالیسم در ارتباط با سوریه، عراق و افغانستان به آن پیشنهاد شده است، سخن گفت.

نماینده حزب ما در پایان به ضرورت سازمان دهی جنبش صلح و مبارزه علیه خطر جنگ و مداخله نظامی امپریالیسم در منطقه پرداخت و بر ضرورت مبرم برداشتن گام های عملی اساسی در این راه تأکید کرد.



ادامه انتخابات ریاست جمهوری ...

دستاوردهای اصلاحات ارضی دموکراتیک انجام شده در دوره ریاست جمهوری مورالس بهره‌مند شده‌اند. در ۹ سال دوره ریاست جمهوری مورالس، علاوه بر آنکه میانگین رشد اقتصادی کشور در حدود ۵ درصد در سال بوده است، شمار جمعیتی که در فقر مفرط زندگی می‌کرده‌اند نیز از یک‌سوم (از جمعیت ۱۰ میلیونی در سال ۱۳۸۵) به یک‌پنجم کاهش یافته است. انتظار می‌رود که اکنون با انتخاب شدن مورالس برای بار سوم به ریاست جمهوری بولیوی، تلاش‌های او و هم‌فکرانش در "جنبش به سوی سوسیالیسم" برای توانمندسازی اکثریت بومی کشور در زیر پرچم برنامه‌های دارای گرایش سوسیالیستی تقویت شود، تا مردم این کشور، که هنوز جزو کشورهای فقیر آمریکای جنوبی محسوب می‌شود، بتوانند از زندگی مرفه‌تر و شایسته‌تری برخوردار شوند.

انتخابات کنگره بولیوی نیز هم‌زمان در همان روز ۲۰ مهر انجام شد. کنگره بولیوی از دو مجلس سنا و مجلس نمایندگان (پارلمان) تشکیل می‌شود که به ترتیب ۳۶ و ۱۳۰ نماینده دارند. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که "جنبش به سوی سوسیالیسم" در این انتخابات نیز اکثریت آرا و کرسی‌های هر دو مجلس کنگره را به دست آورد. در این صورت، رهبری بولیوی خواهد توانست برنامه "سوسیالیسم بومی" بر اساس ملی کردن صنایع نفت و گاز، ساختن مدرسه‌ها و راه‌های جدید، و تأمین بودجه برنامه‌های رفاهی مانند صندوق بازنشستگی را در سراسر کشور به پیش ببرد. دستاوردهای مردمی دولت مورالس در ۹ سال گذشته مهم‌ترین عامل گرایش اکثریت مردم به سوی این دولت چپ‌گرا و برنامه‌های آن بوده است. از جمله این دستاوردها می‌توان به این موارد اشاره کرد: تدوین و تصویب قانون اساسی جدید به سود بومیان و زحمتکشان کشور، و اجرای شماری از برنامه‌های اجتماعی و رفاهی دولتی، که میزان فقر مفرط را از ۳۸/۲ درصد در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴ش) به ۲۱/۶ درصد در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱ش) کاهش داد. در پیش گرفتن سیاست‌های گوناگون اقتصاد کلان به منظور افزایش درآمد دولت از منابع طبیعی کشور و افزایش سرمایه‌گذاری در برنامه‌های اجتماعی همگانی. سیاست‌های راهبردی دولت مورالس در دو دوره گذشته موجب افزایش ۷۵۰ درصدی (بیشتر از ۷/۵ برابر شدن) سرمایه‌گذاری در خدمات اجتماعی همگانی شده است.

اجرای طرح‌های زیربنایی کوچک در مناطق محروم، اختصاص دادن بیشتر از یک میلیارد دلار به ۵۰۰ طرح در سراسر کشور شامل ساختن شمار زیادی درمانگاه، مدرسه و سالن ورزش در این مناطق. بردن امکان استفاده از اینترنت به مدرسه‌های روستایی، ایجاد کارخانه تولید کود شیمیایی، و ساخت و راه‌اندازی شبکه تله‌کابین برقی مسافری در شهر لاپاز از دیگر پروژه‌های انجام شده‌اند. تله‌کابین لاپاز که مرتفع‌ترین تله‌کابین دنیاست، برخلاف تله‌کابین‌هایی که غالباً در پیست‌های اسکی استفاده می‌شوند، وسیله رفت‌وآمد شهری مردم بین دو شهر لاپاز و آل آلتو است. با استفاده از این خط حمل‌ونقل هوایی، زمان رفت‌وآمد مردم از یک نقطه لاپاز به نقطه دیگر و به شهر مجاور (آل آلتو) به ۱/۴ تقلیل داده است. این هر دو شهر در بالای کوه‌های آند، و در ارتفاع ۳۶۵۰ متری و ۴۰۰۰ متری از سطح دریا قرار دارند.

از زمان روی کار آمدن دولت مورالس در سال ۱۳۸۴ تا سال گذشته، تولید گازهای هیدروکربنی (سوخت گازی) از ۳۳ میلیون مترمکعب به ۵۶ میلیون مترمکعب افزایش یافت. در نتیجه، دولت بولیوی تخمین می‌زند که با این میزان تولید گاز، تا سال آینده از این لحاظ کاملاً خودکفا خواهد شد.

افزایش حداقل دستمزدها نیز عامل مهم و مؤثر دیگری در کاهش فقر بوده است. بر پایه گزارش‌های سازمان جهانی کار (ILO)، بولیوی در دو سال گذشته بیشترین افزایش حداقل دستمزد واقعی را در میان کشورهای آمریکای لاتین داشته است. از سال ۱۳۸۴ تا سال گذشته، دستمزدها در مجموع ۱۰۴ درصد افزایش یافته است. ایجاد و پیشبرد سیاست‌های بنیادی امنیت غذایی، عامل کلیدی دیگری در کاهش فقر در دو دوره دولت مورالس بوده است. بر اساس گزارش "سازمان خواربار و کشاورزی" (فائو) وابسته به سازمان ملل متحد، در نتیجه اجرای سیاست‌های امنیت غذایی جامع به سود تنگدستان، گرسنگی در بولیوی در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، و ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ به میزان ۷/۴ درصد کاهش یافت. در گزارش فائو همچنین آمده است که بولیوی شاهد کاهش شدید سوءتغذیه مزمن در میان کودکان زیر سه سال بوده است که از ۴۱/۷ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱۸/۵ درصد در سال ۱۳۹۱ رسید. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، یکی از دستاوردهای سیاسی مهم دولت

مورالس، تدوین کردن و به تصویب رساندن قانون اساسی جدیدی بود که تغییرهای زیادی به سود زحمتکشان و به‌ویژه بومیان کشور در آن گنجانده شده است، از جمله: اولویت دادن به سرمایه‌گذاری‌های بولیواری در مقابل سرمایه‌های خارجی، و خودمختاری و مشارکت سیاسی بیشتر برای بومیان کشور. در قانون اساسی جدید که در سال ۱۳۸۷ به همه‌پرسی گذاشته و تصویب شد، موارد مصرف سنتی برگ "کوکا" برای نخستین بار در تاریخ بولیوی به رسمیت شناخته شد. کوکا گیاهی است که در زندگی روزمره و طب سنتی مردم این منطقه استفاده رایجی دارد و خاصیت غذایی نیز دارد. البته از آن کوکائین نیز می‌شود استخراج کرد، اگرچه میزان ماده اصلی کوکائین در برگ کوکا کمتر از یک درصد است. از این برگ، که به طور عمده در آمریکای جنوبی یافت می‌شود، در ساخت نوشابه کوکاکولا نیز استفاده شده است. گفتنی است که اوو مورالس خود نیز در سابق کشاورز کوکاکار و از رهبران اتحادیه کشاورزان کوکاکار بوده است و هنوز هم رئیس افتخاری آن اتحادیه است. در هر صورت، دولت بولیوی از سازمان ملل متحد نیز خواست که در امر کشت کوکا، برای بولیوی استثنای قوانین بین‌المللی قائل شود، و کشت کوکا در بولیوی و مصرف قانونی آن در داخل مرزهای آن کشور مجاز اعلام شود، که همین‌طور هم شد. در تابستان همان سال، سازمان ملل متحد گزارشی منتشر کرد که در آن آمده بود که کشت گیاه کوکا در بولیوی ۹ درصد کاهش یافته است. در سه سال گذشته، کشت این گیاه ۲۶ درصد کاهش داشته است (احتمالاً به دلیل کاهش قیمت). دولت بولیوی سیاست بسیار سختگیرانه "عدم تحمل" کشت غیرقانونی کوکا و تولید کوکائین را در پیش گرفته است و خاطیان را به‌سختی مجازات می‌کند.

صنعتی کردن، به‌ویژه در عرصه حمل‌ونقل و تولید انرژی، از سال ۱۳۸۴ یکی از سیاست‌های اقتصادی کلیدی مورالس تبدیل شد. طرح‌های صنعتی کردن کشور بخشی از برنامه‌های بلندمدت دولت مورالس برای تبدیل کردن بولیوی به قدرتی منطقه‌ای در امر تولید انرژی است. دولت مورالس در عرصه اقتصاد کلان نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. در فاصله سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱) رشد تولید ناخالص ملی سه برابر شد. دولت بولیوی موفق شده است ذخایر بین‌المللی ارزی (و طلای) آن کشور را به مرز ۴۸ درصد تولید ناخالص ملی کشور افزایش دهد. بولیوی جزو ۹ کشور عضو "اتحاد بولیواری ملت‌های آمریکای ما" (آلبا، ALBA) است که کوبا و اکوادور و ونزوئلا و نیکاراگوئه نیز عضو آن هستند و هدف آن، همکاری‌های نزدیک و مشترک اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان کشورهای عضو در آمریکای لاتین و منطقه کارایب است. استفاده از ارز مشترک مجازی منطقه‌ای به نام "سوکره" برای مبادله‌های میان کشورها به‌جای دلار، یکی از بخش‌های برنامه‌ی این اتحاد است.

در شرایطی که نیروهای سرمایه در سراسر جهان به تهاجم و تجاوز گسترده‌ای به زندگی مردم دست زده‌اند- از اعمال سیاست‌های اقتصادی ریاضتی و نولیبرالی و کاهش خدمات اجتماعی گرفته تا مداخله‌های مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی و تشنج‌آفرین- بسیاری از ملت‌های آمریکای لاتین برای رهایی خود از قید و بندهای سرمایه و برقراری دموکراسی و عدالت اقتصادی-اجتماعی بر پایه گرایش‌های مردمی و سوسیالیستی و تأمین نیازهای مردم عادی و زحمتکشان می‌کوشند، و به قول رئیس‌جمهور السالوادور، "به مردم جهان امید می‌دهند".



انتخابات ریاست جمهوری در بولیوی: پیروزی بزرگ گرایش سوسیالیستی

در شرایطی که نیروهای سرمایه در سراسر جهان به تهاجم و تجاوز گسترده‌ای به زندگی مردم دست زده‌اند - از اعمال سیاست‌های اقتصادی ریاضتی و نولیبرالی گرفته تا مداخله‌های مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی و تشنج‌افزین - بسیاری از ملت‌های آمریکای لاتین برای رهایی خود از قید و بند‌های سرمایه و برقراری دموکراسی و عدالت اقتصادی - اجتماعی می‌کوشند، و به مردم جهان امید می‌دهند.

روز یکشنبه ۱۲ اکتبر (۲۰ مهر) انتخابات ریاست جمهوری بولیوی برگزار شد که در آن مردم بولیوی برای سومین بار پیاپی اوو مورالس ۵۵ ساله و رهبر "جنبش به سوی سوسیالیسم" را به عنوان رئیس جمهور کشور انتخاب کردند. مورالس، رئیس جمهور چپ‌گرای بولیوی، پس از اعلام خبری پیروزی چشمگیرش در انتخابات، خطاب به مردمی که یکشنبه شب جلوی مقر ریاست جمهوری جمع شده بودند گفت: "این بُرد، پیروزی نیروهای ضدامپریالیستی و ضداستعماری است. این حس عمیق آزادی است؛ و نه فقط در بولیوی بلکه در قاره آمریکا؛ پیروزی همه ضدامپریالیست‌هاست" پیروزی اوو مورالس شکست سختی بود برای رقیبانش که در مقابل برنامه او برای تحکیم و تقویت اصلاحات سوسیالیستی، برنامه مردم‌پسندی نداشتند که ارائه دهند. مورالس خطاب به جمعیت هزاران نفری که در مقابل مقر رئیس جمهوری گرد آمده بودند گفت: "این انتخابات، مبارزه‌ای بر سر دو الگو بود: ملی‌سازی یا خصوصی‌سازی. و ملی‌سازی با بیشتر از ۶۰ درصد رای برنده شد" مورالس که از رهبران برجسته سوسیالیست و ضدامپریالیست آمریکای لاتین است، در این انتخابات توانست ۶۱ درصد آرای ریخته شده به صندوق‌ها را به دست آورد. نزدیک‌ترین رقیب او، سامونل دوریا مدینا - سلطان سیمان بولیوی - از جبهه وحدت ملی، ۲۴ درصد رای آورد. مورالس پیروزی خود را به فیدل کاسترو رهبر کمونیست کوبا و هوگو چاوز، رهبر چپ‌گرای فقید ونزوئلا پیشکش کرد. در پی اعلام خبر پیروزی مورالس در روز یکشنبه، شماری از رهبران کشورهای جهان، و به‌ویژه رهبران کشورهای آمریکای لاتین، پیام‌های تبریکی برای او فرستادند. دنیل اورتگا، رئیس‌جمهور نیکاراگوئه در پیام خود گفت که پیشتازی مورالس در انتخابات نشانه "قدرت و سرزندگی روند رهایی ملت‌ها در منطقه است" کریستینا فرناندز کرجنر و خوزه موییکا، رهبران جمهوری آرژانتین و اورگوئه، هر دو تلفنی به اوو مورالس تبریک گفتند. نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا نیز در پیام‌های متعدد خود روی توییتر از پیروزی مورالس ابراز خوشحالی کرد. او در یکی از این پیام‌ها نوشت: "اوو، این پیروزی بزرگی برای میهن آمریکای جنوبی است؛ ما از ونزوئلا به تو تبریک می‌گوییم. به امید پیروزی‌های بیشتر!" سانچز سرن، رئیس‌جمهور السالوادور نیز در پیام توییتری خود نوشت که انتخاب اوو مورالس "تقویت‌کننده دموکراسی است، و بولیوی همچنان به مردم آمریکای لاتین و جهان امید می‌دهد."

رای‌گیری بودند. در دو انتخابات ریاست جمهوری قبلی، بیشتر از ۸۴ و ۹۴ درصد رای‌دهندگان واجد شرایط در انتخابات شرکت کرده بودند. مورالس در ۸ ایالت از ۹ ایالت کشور برنده اکثریت آرا شد، از جمله با ۵۱ درصد آرا در ایالت سانتاکروز که یکی از مراکز کشت و صنعت در شرق کشور و از پایگاه‌های مخالفان او بوده است. نمایندگان کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و ناظران اتحادیه ملت‌های آمریکای جنوبی (یوناسار) سلامت این انتخابات را تأیید کردند. مطابق قانون اساسی کنونی بولیوی، دوره ریاست جمهوری ۵ سال است. در انتخابات ریاست‌جمهوری، همزمان معاون نخست‌وزیر نیز با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود.

مورالس، که خود از اهالی بومی بولیوی است، نخستین بار در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴ ش) نامزد ریاست جمهوری شد. او در آن سال با برنامه انتخاباتی ضدنولیبرالی، با هدف ملی کردن صنعت گاز و تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین یک قانون اساسی تازه بر پایه گنجاندن و تأمین منافع و مصالح جمعیت بومیان آن کشور وارد کارزار شد، و توانست با به دست آوردن نزدیک به ۵۴ درصد آرا در انتخابات پیروز شود. (نزدیک‌ترین رقیب او در آن سال کمتر از ۲۹ درصد رای آورد). او در آذر ماه سال ۱۳۸۸، یعنی یک سال پس از همه‌پرسی موفقیت‌آمیز در مورد قانون اساسی تازه کشور که حقوق و خودمختاری بیشتری به بومیان می‌داد، برای دومین بار به ریاست جمهوری انتخاب شد. مورالس در طی سال‌های ریاست جمهوری‌اش تا کنون نه فقط به قول‌های انتخاباتی اولیه خود عمل کرده است، بلکه شمار دیگری از صنایع کلیدی کشور را نیز ملی کرده و توانسته است با توزیع علانه ثروت ملی، میزان فقر در کشور را نیز کاهش دهد. به‌علاوه، هزاران کشاورز فقیر از

یکشنبه شب جشن و سرور حامیان مورالس در خیابان‌های شهر لاپاز (پایتخت بولیوی) و دیگر شهرهای کشور برقرار بود. دوره سوم ریاست جمهوری اوو مورالس از ۲ بهمن ۱۳۹۳ که مراسم ادای سوگند برگزار می‌شود، رسماً آغاز خواهد شد. در پایان این دوره ۵ ساله، مورالس در تاریخ کشور بولیوی رکورد طولانی‌ترین مدت خدمت (۱۴ سال) به عنوان رئیس‌جمهور را خواهد داشت. قانون اساسی جدید بولیوی فقط اجازه دو دوره ریاست جمهوری را به یک شخص می‌دهد، ولی دیوان‌عالی کشور سال گذشته اعلام کرد که دوره اول ریاست جمهوری مورالس در این محاسبه منظور نمی‌شود، چون قبل از تصویب قانون اساسی جدید بوده است و این قانون عطف به ماسبق نمی‌شود. در انتخابات اخیر، بیشتر از ۶ میلیون نفر از کل جمعیت ۱۰ و نیم میلیون نفری بولیوی واجد شرایط برای شرکت در

ادامه در صفحه ۱۱

کمک‌های مالی رسیده

گردآوری شده در جشن سالگرد حزب در اتریش ۵۰۰ یورو
به یاد اسطوره‌های انسانیت اعدام افسران توده‌ای
از طرف چمنی ۵۰۰ دلار
۳۳ مین سالگرد حزب روزه‌ها و مهرگان‌ها مبارک باد ۱۰۰ دلار کانادا

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس‌های پستی:
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.com

Nameh Mardom No. 958
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

20 October 2014

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۲۳۶۲۹۷۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000
0790 0205 80
BIC: BELADEBEXXX